

روحیه عالی انقلابی توده مردم - امیدبخش پیروزی مسلم بر امریکا

در جنگ یادشمن تجاوزگری که به پشتیبانی ایالات متحده امریکا و در اجرای بخشی از توطئه های شیطان بزرگ به ایران انقلابی حمله برده است، عامل قاطع توده های مردم اند. ما ملتینان راسخ داریم که تجاوز یعنی های عراق در هم شکسته خواهد شد، زیرا

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم - سال دوم ، شماره ۳۴۲
شنبه ۲۵ مهر ۱۳۵۹ ، ۱۵ روال

نورالدین کیانوری:

فشار دشواری ها بر انقلاب میهن ما هر روز سنگینتر میشود

تشکیل جبهه متحد از همه نیروهای راستین وفادار به انقلاب یگانه راه رستگاری است

این مقاله در تاریخ ۲۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ برای شماره ۶ مجله «نیما» نگاشته شده است. از آنجا که چاپ مجله مدتی به طول خواهد انجامید، نثار به همین پیشبینی ها و ارزیابی هایی که در این مقاله انجام گرفته است، درج سریعتر آن را در نامه «مردم» ضرور دانستیم.

نگاه کنید، ملتینان بخود و اینان به پیروزی انقلاب در همه جاوچه مشخصه جو حاکم است. دسته دسته مردم برای نام نویسی در بسیج گرد می آیند و آمادگی خود را برای شرکت در نبرد و آموختن فنون جنگی اعلام می دارند. در باره صف های پتیزین و اغذیه زیاد صحبت میشود ولی درباره آنچه که بیسی اساسی تر است، کمتر سخنی گفته شده و آن صفای است که برای نام نویسی در بسیج و با اسلحه بمقابله دشمن رفتن، تشکیل شده است. و آمادگی به بسیاری از دیدگان اشک شوق آورده است. به همه نقاط کشور نگاه کنید. در همه جا خشم خروشان علیه تجاوزگری که مجری نقشه

که مردم در ژرف ترین مفهوم و در گسترده ترین معنای این واژه - با روحیه عالی انقلابی دفاع برخاسته اند، تا عملاً ثابت کند که در برابر اتحاد و هشیاری آنها، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند. بشیرها و نواحی زیر آتش توپخانه خصم نگاه کنید، اثری از هراس و وحشتی که دشمن در صدد بود با انفجارها و ویرانی ها بوجود آورد، دیده نمی شود. برعکس، مردم با شور و هیجان با نظم و آرامش، به آمادگی رزمی مشغولند، در سنگرها مترصدند و چون مشت محکمی در برابر این آلت دست امریکه قد برافراشته اند. به شهرها و نواحی دیگر واز جمله شهرهایی که هدف بمباران های بمب های عراق قرار گرفته اند،

باید افکار عمومی جهان را بر ضد رژیم مزدور بعثی عراق تجهیز کرد

مردم ایران اقدام خصمانه، تجاوز کارانه و غیر قانونی رژیم بعثی عراق را در لغویک جانبه قرارداد مرزی بشدت محکوم میکنند

مرداد ۵۹، مقامات عراقی بطور یکجانبه مدعی اداره ابروند رود شده اند. طبق تصمیم یکجانبه رژیم بعثی عراق، کشتی هایی که از خلیج فارس وارد این رودخانه مرزی میشوند، از مسب نامرکز تخلیه و بارگیری و حرکت بالمکن، باید با پرچم عراق حرکت کنند. امر هدایت کشتی ها نیز در ابروند رود یا راهشایان عراقی خواهد بود. عوارض بندری و رودخانه ای نیز بایستی به مقامات عراقی پرداخت شود و نظایر این اقدامات غیر قانونی.

رژیم تجاوز کار بعثی عراق قرارداد معروف به قرارداد الجزایر را بطور یکجانبه ملغی اعلام کرده است. این قرارداد در ماه مارس ۱۹۷۵ (۱۳۵۳) بین دولتین ایران و عراق منعقد شد و در آن بهره برداری مساوی الحقوق در کشور همسایه، ایران و عراق، از ابروند رود (شمال غرب) انعکاس دارد. با لغو غیر قانونی و یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵، رژیم بعثی عراق به دستور ابلاغ دستور العمل جدیدی در مورد ابروند رود مبادرت جست. طبق این دستور العمل غیر قانونی، از عصر روز شنبه ۲۹

تحصیلی و تسهیل کارانه رژیم بعثی عراق عملاً در سمت نقشه های نظامی استراتژیکی امریالیسم آمریکا علیه تمامی کشورهای مستقل ملی و خلقهای منطقه است، که هدف آن برقراری مجدد سلطه امریالیسم آمریکا و پس گرفتن مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی از دست رفته آن در این منطقه است. منافع کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین با منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در یکبار علیه امریالیسم آمریکا و مقاومت در برابر توطئه های سیاسی و نظامی آن مطابقت کامل دارد. روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری، یعنی سوریه،

بدینسان رژیم تجاوزگری بعثی عراق در پی خرابکاریها و تحریکات خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران، به اقدامی شدیداً تحریک آمیز دست زده است. رژیم بعثی عراق با لغو قرارداد ۱۹۷۵، رسماً به یک عمل تجاوزی تصرف خاک و آبهای ساحلی متعلق به ایران مبادرت ورزیده است. تصادفی نیست که متعاقباً این دستور العمل، رژیم بعثی عراق نقشه خطرناک تجاوز وسیع نظامی خود را از راه هوا و دریا و خشکی به ایران به اجرا در آورد و بسود دول امریالیستی و در راس آنها امریکای تجاوز کار، جنگ نامخواستی را به کشور ما ایران تحمیل کرد، که هم اکنون ادامه دارد.

تا آروز بهمانند، چاره ای ندارند جز آنکه دست احتیاج به سوی ما، دراز کنند و ما آنوقت وارد ایران میشویم همانطور که در زمان شاه ملعون وارد ایران شده بودیم. با این تحلیل به سراغ صدام حسین احق، جاه طلب، مغرور و بدبخت رفتند. چنانیکاران قراری چند ماه است روی او و رژیم پوسیده او کار می کنند. او را وادار کردند و او با این کار فکر و با این نیت که خواهد توانست مقابله کند، چیزی هم به او در این میان خواهد رسید، ثروت مردم عراق را بصورت میکبا و فانکها فرستاد به داخل مرزهای ایران.

حجت الاسلام خامنه ای: آنها (تجاوزگران بعثی) در راه امریکامی جنگند، در راه اسرائیل می جنگند... همه ملت آماده است، منتظریم امام اشاره بکند، همه خواهیم رفت، همه خواهیم جنگید

بهاز تو در آورند، حتی حمله نظامی هم کردند با خود فکر کردند. ایران را به جنگ تحمیلی و ناخوابسته می کشانیم. عراق را تحریک می کنیم که با ایران جنگ را شروع کند و با اینکار چند قایده می بریم: اولاً نیروهای نظامی ایران را تحلیل خواهیم برد، ابزار جنگی آنها را مستبک خواهیم کرد. ثانیاً مراکز حیاتی و تولیدی و اقتصادی آنها را منهدم خواهیم کرد. پالایشگاهها را منهدم می کنیم، نفت را از آنها می گیریم، سوخت را می گیریم، راه آهن را و ارتباطات را می گیریم، مخابرات را می گیریم، زنده ترین عناصر رزمنده قهرمان را می گیریم، وقتی میان مردم، نان نبود، برق نبود، زادیوتلوژیون نبود، کشاورزی نبود، آنوقت امور جمهوری اسلامی را متلاشی می کنیم و بعد هر کس رشته وزمام امور حکومت در دستش باشد و حتی اگر زمانداران کنونی هم

دولت جمهوری اسلامی ایران بدرستی اقدام رژیم بعثی عراق را لغو قرارداد ۱۹۷۵ یک عمل تهاجمی و تجاوزی آشکار تلقی کرده و علیه آن شدیداً اعتراض نموده است. همه مردم ایران، منجمله حزب توده ایران اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه قاطع و اقدام خصمانه، تجاوزی و غیر قانونی رژیم بعثی عراق را بشدت محکوم میکنند. مردم ایران یکصد میگویند: دست تجاوز رژیم بعثی عراق باید کوتاه گردد و اقدامات خصمانه متجاوزین به حق حاکمیت ملی

حجت الاسلام خامنه ای: همه ملت آماده است، منتظریم امام اشاره بکند، همه خواهیم جنگید

حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران، در خطبه های نماز جمعه دیروزه، به مسئله تجاوز نیروهای بعثی عراق به خاک کشور، پرداخت و در رابطه با آمادگی باقی کامل مردم برای سرکوبی این تجاوزگران مطالبی را بیان کرد.

حجت الاسلام خامنه ای در باره هدف تجاوزگران بعثی عراق گفت: «آنها در راه امریکامی جنگند، در راه اسرائیل می جنگند، در راه هواها و هوسها و غرورهای خود می جنگند...» وی افزود: «ای ملت قهرمان و رزمنده ایران، ای بهایا دارندگان نماز، این صحنه جنگ از نظر ما و از نظر دشمن ما دو تحلیل آمریکامز دورانش یک جور تحلیل می کنند و ما جور دیگری، آمریکا و مزدورانش بعد از اینکه در طول ۱۹ ماه هر چه کردند نتوانستند جمهوری اسلامی را

در شرایطی که رژیم مزدور بعثی عراق دامنه خرابکاریها و تجاوزات مسلحانه مرزی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را به یک آنجنگ تجاوزی بسا ابعاد گسترده علیه میهن ما تبدیل کرده، علاوه بر اقدامات و تدابیر نظامی، که از جانب شورای فرماندهی نیروهای مسلح و دیگر ارکانهای مسئول جمهوری اسلامی ایران برای دفع این تجاوز انجام میگردد، استفاده از افکار عمومی جهان و امریالی بین المللی به منظور آفتاب و محکوم ساختن رژیم مزدور بعثی عراق و جلب پشتیبانی آنها از حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از وظایفی است که در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید به آن توجه لازم معطوف گردد.

به شهیدان جنگ با تجاوزگران بعثی عراق

شهید

از برای من شهید آن دلوری است که برای مقصدی بزرگ جان فدا کند که برادری و یا که خواهری است: در ره وطن در سبیل رزم عدل و حق از برای خلق و آنکه را که چش غنیمتی، بسود خود، و رقتیل شد، شهید نیست امید نیست

ای به مرزهای انقلاب خسته از گلوله عدو کشته در نهایت شباب با غرور و سرکشی جملگی شهید مردمید: پاسدار! ارتشی!

احسان طبری
۱۳۵۹/۷/۳

وزیر خارجه اتحاد شوروی فشار امپریالیسم آمریکا به ایران را محکوم کرد

آندره گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی در نطق خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن اشاره به فعالیت های خطرناک امپریالیسم آمریکا، که اوضاع جهانی را متشنج کرده است، به تحریکات آمریکا در خلیج فارس اشاره کرد و گفت: «واشنگتن به شیوه های فشار

متوسل شده است و اکنون ایران تحت فشار علنی واشنگتن است» وزیر خارجه اتحاد شوروی یادآور شد: «تعلیقات امریکا در خلیج فارس نه تنها حق حاکمیت ایران را به مخاطره انداخته است، بلکه این خطر حق حاکمیت دیگر کشورها را نیز تهدید می کند.»

بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

«سازش دو ابر قدرت» - تبلیغ در خط برژینسکی

روزنامه «میزان» در شماره ۲۲ شهریور ۵۹، در مقاله‌ای زیر عنوان «در حاشیه کودتای نظامی ترکیه» نوشته است:

دو اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ، چراغ سبز برای اقدامات مشابه به غرب داده شد. بسیاری از ناظران سیاسی منتظر دخالت نظامی آمریکا در ایران بودند، که این عمل نیز انجام گرفت و چنانچه آنکه روسها، با اینکه قبلا از مأموریت نظامیان آمریکا در طیس اطلاع داشتند، تنها زمانی به آمریکا اعتراض کردند، که این عملیات با شکست مواجه شد.

سخن «میزان» بظاهر فقط سخیف است. ولی در واقع دفاع از آمریکا با موزیکری است. «میزان» جرات آنرا ندارد که علنا از آمریکا از کودتای امریکائی در ترکیه، از تهاجم نظامی آمریکا به ایران دفاع کند. «میزان» دشمن آمریکا را - بخيال خود- میزند، تا آمریکا را نجات دهد. میخواهد خشم مردم را متوجه نیرومندانترین دشمن آمریکا کند و بدینسان آمریکا را از زیر ضربه خارج کند.

«میزان» میگوید: چون شوروی وارد افغانستان شد، آمریکا هم در ایران دخالت نظامی و در ترکیه کودتا کرد. یعنی اگر شوروی وارد افغانستان نمیشد، آمریکا هم دخالت نظامی در ایران و کودتا در ترکیه نمیکرد. پس مقصر شوروی است نه آمریکا. امریکاقفل عکس العمل میکند، نه عمل. اگر عمل شوروی نباشد، عکس العمل آمریکا نیز نخواهد بود. پس دشمن اصلی شوروی است، نه آمریکا. بنابراین در برابر این دشمن اصل، میتوان و باید با امریکابازش کرد!

بدینسان «میزان»، که علنا نمیتواند بگوید باید امریکاراجددا بایران آورد، سعی دارد از طریق تبلیغ واصطلاح سازش دو ابر قدرت، خوانندگان خود را بهمان نتیجه گیری برساند.

«میزان» - ارگان بورژوازی لیبرال سازشکار، خواستار بازگشت آمریکا «از پنجره» به ایران است. «میزان» در خط برژینسکی است. و در خط برژینسکی تبلیغ میکند.

دستور برژینسکی را باید دیگر یادآوری کنیم:

«لازم است جو سوء ظن و عدم اعتدالی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور (کارتز) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی ایران خصوصا توسط اتحاد شوروی، حتما به تصعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.»

تبلیغات امپریالیستی علیه اتحاد شوروی در ایران، در اذهان باقی مانده، دامن زدن، تا شاید متکی بدان، بتوان سیاستی را در جهت تیره ساختن رابطه جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی اجرا کرد، به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران پایان بخشید و بدین وسیله «مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی» را تضعیف کرد، تا بتوان یا آنرا زیر ضربه حاکمات قرار داد و یا بتوان آنرا مستح و عقیم کرد.

نظریه «سازش دو ابر قدرت» در ظاهر و در نظر اول شاید نوعی تبلیغ و ابراز خشم نسبت به هر دو ابر قدرت بنماید، ولی در واقع هدفش ایجاد شکاف بین جنبشهای آزادیبخش با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، بین کشورهای سوسیالیستی، یعنی جدا کردن جنبشهای آزادیبخش و دیگر کشورهای سوسیالیستی، یعنی جدا کردن آنها، بقصد تضعیف و شکستن آنهاست.

نظریه «سازش دو ابر قدرت» بر پایه دروغ بنا شده و هر گونه تبلیغ آن بناچار معجزی است از دروغ. به نوشته «میزان» بر گردیم.

می نویسد:

«اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ، چراغ سبز برای اقدامات مشابه غرب داده شد...»

همین يك جمله مرکب از دو دروغ بزرگ است. افغانستان توسط ارتش شوروی اشغال نشده، بلکه افغانستان برای حفظ انقلاب استقلال طلبانه و خلقی خود در برابر تهاجم نظامی ضد انقلاب مسلح، که آمریکا، بکمک پاکستان و چین علیه افغانستان تشکیل داده، از اتحاد شوروی کمک نظامی تقاضا کرد و این تقاضا، هم بر مبنای سیاست اصولی اتحاد شوروی در حمایت از انقلابهای آزادیبخش خلقی، و هم بر اساس قرارداد دوستی و همکاری بین اتحاد شوروی و افغانستان، از طرف شوروی پذیرفته شد. دولت شوروی و نیز دولت افغانستان رسماً اعلام داشته اند که بمحض اینکه خطر تهاجم نظامی خارجی به افغانستان مرتفع گردد، نیروهای شوروی خاک افغانستان را ترک خواهند کرد. درباره «چراغ سبز» نیز هر بی غرضی میدانند که هیچ «چراغ سبزی» نه از جانب شوروی به «غرب» و نه از جانب «غرب» به شوروی، نمیتواند داده شود. جهان خواری و جنایتهای امپریالیسم آمریکا با «چراغ سبز» ساختگی، که گویا شوروی به آمریکا و به غرب میدهد، قابل توجه و تیره نیست. «میزان» بی جهت در تقلا است تا با «چراغ سبز» مردم را چنان گمراه کند که، دوست را بچای دشمن و دشمن را بچای دوست بگذارند.

«میزان» در ارائه «دلیل» برای اثبات «سازش دو ابر قدرت»، حتی میخواهد چنین وانمود کند که دولت شوروی با تهاجم نظامی آمریکا بایران و سلطه مجدد آمریکا بر ایران موافق است! با دعای «میزان» بدلیل «اشغال نظامی افغانستان»، دخالت نظامی آمریکا در ایران قابل پیش بینی بود (یعنی اگر آن «اشغال» انجام نمیکرفت، این «دخالت نظامی» هم نمیشد!) و در اثبات این ادعای سخیف، دروغ کثیفی میکوبد که گویا «روسها» قبلا از مأموریت نظامیان آمریکا در طیس اطلاع داشتند (و این اطلاع را نیز در گوش گرانندگان «میزان» بکسی نگفتند!) و منتظر ماندند ببینند که، «مأموریت نظامیان آمریکا» انجام میگردد و جمهوری اسلامی ایران ساقط میشود یا نه، و «تنها» زمانی به آمریکا اعتراض کردند که عملیات با شکست روبرو شده! بدینسان، بزعم میزبان «خط برژینسکی» - «روسها» نه فقط با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با رژیم جدید ضد امپریالیستی و خلقی ایران مخالف و دشمن اند، بلکه این «روسها» با خودشان هم دشمنند و میخواهند آمریکا بایران برگردد تا ایران مجدداً به پایگاه نظامی ضد شوروی بدل گردد!

دروغ از این سخیف تر نمیشود. ولی همین دروغ سخیف را گاه در سطح «میزان» و نیز گاه با چنان قیافه حق بجانب «مرد مطلع» میخواهند بخورد مردم دهند، که در واقع حیرت انگیز است.

یکی از این قیافه های حق بجانب «مرد مطلع» را میتوان در روزنامه کیهان، شماره ۲۴ شهریور ۵۹ یافت. آقای دکتر ابراهیم یزدی، که وزیر خارجه در دوران دولت موقت آقای مهندس بازرگان بوده است، بعنوان «مرد مطلع» که قاعدتا میبایستی حرف از آن قبول کرد، ضمن توضیح علل کودتای امریکائی در ترکیه، گریز به «سازش دو ابر قدرت» میزند و تا آنجا پیش میرود که خواننده خیال کند که آمریکا میخواسته است با «روسها» به توافق برسد که در ایران مجدداً پایگاههای نظامی جاسوسی ضد شوروی تاسیس شود، ولی دولت موقت زیر بار نرفته است! آقای دکتر یزدی برای اینکه این مهمل را بخورد خوانندگان «کیهان» بدهد، «استدلال» میکند. می نویسد:

«... بعد از جنگ جهانی دوم، روسیه و آمریکا دست بیک

مسابقه تسلیحاتی زده اند (نتیجه بگیرد که آمریکا مسابقه تسلیحاتی را شروع نکرده و تجاوز کار نیست!)... اما این مسابقه تسلیحاتی اقتصاد این کشورها را دچار نابامانیهای اساسی نموده است. (نتیجه بگیرد که انحصارات اسلحه سازی و مجتمع صنعتی و نظامی آمریکا، که دولت آمریکا را در دست دارند، از مسابقه تسلیحاتی سود نمی برند و صلح خواه و آرامش طلبند!)... لذا هر دو طرف مدعی شدند که بصلاح صلح و آرامش جهانی است که برای محدودیت تولید سلاحهای استراتژیک به مذاکره بنشینند... و اساسی ترین قسمت مذاکره در دور دوم بود که به مذاکرات «سالت ۲» معروف است... و بالاخره کارتز توانست با روسها به توافق برسد (پس زنده باد کارتز صلح خواه!)...»

ولی طرفین بیکدیگر اعتماد و اطمینان ندارند و لذا «باید امکاناتی بوجود بیاورند هر کدام دیگری را کنترل کنند... دولت آمریکا برای این امر (کنترل) دست به ایجاد پایگاههای مختلفی در اطراف مرزهای روسیه و نقاط مختلف جهان زده است.» (نتیجه بگیرد که شبکه پایگاههای نظامی آمریکا بدور شوروی و نقاط مختلف جهان، که تاسیس آنها از فردای جنگ جهانی دوم آغاز شد و بعد از ۳۵ سال است که ادامه دارد، برای کنترل «اجرای مذاکرات سالت» بوده است!) «از جمله این مراکز (کنترل) پایگاه کیکان در ایران بوده است در شمال خراسان، که در زمان شاه مستقیماً زیر نظر و بدست مأمورین امریکائی اداره میشد... تعطیل پایگاه کیکان این امکانات (کنترل) را از آمریکا گرفته است. لذا تصویب «سالت ۲» در کشور آمریکا یا در هوست...»

و جان کلام آقای دکتر یزدی، بعد از پیروزی انقلاب، دولت امریکا فشارهای زیادی را به دولت موقت وارد آورد که بتواند موافقت دولت را برای فعال کردن مجدد پایگاه کیکان بگیرد (عجب! معلوم میشود مسائلی در پشت پرده، تا حد تاسیس مجدد پایگاههای امریکائی در ایران مطرح بوده است!)... اما دولت موقت زیر بار نرفت.

سپس دکتر یزدی می نویسد: «حتی مطرح شد (چه کسی با چه کسی مطرح کرده، معلوم نیست!) که ممکن است آمریکا و روسیه باهم مذاکره کنند و مشترکاً فعال شدن مجدد کیکان را از ایران درخواست کنند و این نیز (از طرف دولت موقت) پذیرفته نشد. لذا دولت آمریکا از این بابت مایوس و سخت ناراحت شد. بسیاری از جملات مودیانه و مرموز علیه دولت موقت و سیاست خارجی آن از چنین امری ناشی میشود.»

بدینسان، بعد از آن سفرها و کبرای که هر سطرش پنجوی امریکا را تطهیر میکند، بالاخره آقای دکتر یزدی، بعنوان شخص «مطلع» کار «سازش دو ابر قدرت» را به آنجا میرساند که «روسها» و امریکا میخواسته اند با یکدیگر مذاکره کنند، تا پایگاههای جاسوسی امریکا در ایران علیه شوروی مجدداً تاسیس شود که خوشبختانه بدلیل «طایفه انقلابی» دولت موقت این امر صورت نکرده است، و در نتیجه امریکا از دولت موقت «سخت ناراحت» شده است!

ضمناً شما باید بدانید که از این پس، هر کس انتقادی از کار «دولت موقت» بکند، «امریکائی» است، زیرا دولت موقت مانع از آن شده است که آمریکا و شوروی با یکدیگر مذاکره کنند و مشترکاً از ایران بخواهند که آمریکا بر ضد شوروی در ایران پایگاه تاسیس کند!

وقتی «خط گام بگام» بخواهد در «خط برژینسکی»، «سازش دو ابر قدرت» را تبلیغ کند و یا از خود دفاع نماید، از این بهتر نمیشود.

وزیر خارجه اتحاد شوروی...

بقیه از صفحه ۱
گرومیکو گفت:

«اوضاع جهانی بغیر تر شده و زمامداران ناتو تلاش دارند که تعادل استراتژیک را بنفع خود تغییر دهند و عامل اصلی وخامت اوضاع جهانی همین امر است.»

وزیر خارجه اتحاد شوروی گفت:

«سیاستمداران واشنگتن چند مسئله را عنوان کرده اند: اول آنکه با اصطلاح مناطق مختلف جهان و بویژه مناطق دارای منابع نفتی و یا مناطق استراتژیک و یا هر منطقه ای را که پتانسیون بسند، جزء مناطق منافع حیاتی آمریکا اعلام می کنند، و معلوم نیست چه کسی این حق را به واشنگتن داده است!»

گرومیکو افزود:

«واشنگتن تلاش دارد عملت های این گونه مناطق را از حق حاکمیت محروم کند. دوم آنکه واشنگتن اعلام کرده است هر تغییری که خوش آیند آمریکا نباشد، اصلی برای مداخله مستقیم و یا خرابکاری از سوی آمریکا خواهد بود و البته سببه واکنش سریع نیز برای مقابله با همین تغییرات و دگرگونیها ایجاد شده است.»

امریکا در سالهای اخیر بیش از پیش از روش انکاء به زور یکن

حکایت می کند و یکنیز گستاخانه وقوع یک جنگ را پیش بینی کرده است.»

وزیر خارجه شوروی گفت:

«اتحاد شوروی هرگز در راه تامین سلطه بر هیچ منطقه ای نیوده و تنها از منافع مشروع خود دفاع می کند.»

گرومیکو باردیگر خواستار تلاش جهانی برای گسترش تسلیح زدایی و تامین خلع سلاح شد.

از سوی دیگر اتحاد شوروی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرده است که تدابیر مشخصی برای حفظ صلح به عمل آید. از جمله از گسترش گروه بندی های سیاسی و نظامی کنونی، خودداری شود و همه کشورها برای مدتی معین از افزایش نیروها و سلاح های خود خودداری کنند و در يك مقاله نامه بین المللی تضمین شود که کشورهای دارای سلاحهای هسته ای، علیه کشورهایی که فاقد این سلاح هستند، سلاح اتمی بکار نخواهند برد. همچنین کشورهای دارای سلاحهای هسته ای از تاریخی که درباره آن توافق خواهد شد، اعلام کنند که مدت یکسال از هر گونه آزمایش هسته ای خودداری خواهند کرد.

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا همه دمکراتهای آن کشور را

به اتحاد فرا خواند

چند روز پیش، ششمین کنگره حزب کمونیست ونزوئلا در کاراکاس برگزار شد. خوسه فاریا، دبیر کل حزب، در گزارش کمیته مرکزی به کنگره، پیروزیهای نیروهای صلح را در سالهای گذشته در سراسر جهان یادآور گردید. وی همچنین متذکر شد که این کامیابی ها کینه محافل امپریالیستی را برانگیخته است. این محافل، که اینک روش تجاوزکارانه خود را تشدید کرده اند، میکوشند تا جهان را به ورطه جنگ بکشانند. وی، برای نمونه، به تصمیم «ناتو» در بروکسل اشاره کرد که، بموجب آن، جنگ ایزارهای هسته ای جدید میان برد در اروپای باختری مستقر خواهد شد. وی این تصمیم را ضربه ای سهمگین علیه تنش زدایی خواند.

فاریا همبستگی کمونیست های ونزوئلا را با جنبش های آزادیبخش قاره امریکای لاتین ابراز داشت و دیکتاتوری های خونخوار شیلی، السالوادور، گواتمالا و پاراگوئه را محکوم کرد. وی، در این کنگره، بویژه توری را که اکنون بر بولیوی سایه انداخته است، خاطر نشان ساخت و عزم خلق بولیوی را برای براندازی حکومت اختناق آمیز خوئتاری نظامی ستود.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا سیاست خارجی رهبران یکن و همپیمان آنها را با نیروهای امپریالیستی بیاد انتقاد گرفت. وی همچنین به تفصیل به اوضاع داخلی ونزوئلا پرداخت و از مردم ونزوئلا خواست، تا در برابر تهاجمات فزاینده به حقوق زحمتکشان، افزایش فعالیت های راستگرایان افراطی و تلاش امپریالیسم ایالات متحده امریکای شریک هر چه بیشتر ونزوئلا در سیاست تجاوزکارانه خود، هشدار باشند.

فاریا نتیجه گرفت که، بدین ترتیب، دمکراتهای ونزوئلا وظیفه دارند تا با تشکیل جبهه ای واحد، به نیروی سیاسی توانانی بدل شوند و در برابر سیاست احزاب بورژوازی به ارائه رهافت سازنده ای قادر باشند. فاریا افزود: «کنگره ما پروتاریا و دیگر نیروهای ترقی خواه را به برنامه ای انقلابی مجبور خواهد کرد، که بمشابه پرچی در راه یکبار برای منافع ملی خواهد بود. حزب کمونیست برای اتحاد همه زحمتکشان و تبدیل حزب به پیشاهنگ سیاسی راستین پروتاریا خواهد رژیمد.»

فاریا گفت که مقابله سازنده با سیاست رژیم کنونی ونزوئلا بویژه

توجه!

مطالب زیر، که در هفته گذشته در نامه «مردم» بچاپ رسید، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران «دعوتنامه» چون تن واحد به مقابله با تجاوز رژیم مزدور یعنی عراق و توطئه امریکای خنجر زیم (شماره ۳۳۹)

- ما با آمریکا در جنگیم (شماره ۳۴۰)

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

باتوسی سنی از شهرک پردیس ۵۰۰ ریال

م. امیدی م. ۵۰۰ ریال

سازمان حزب توده ایران در گرگان ۵۰۰۰۰ ریال

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

فشار دشواری‌ها بر انقلاب میهن ما

بقیه از صفحه ۵

ماهیت اکثریت مطلق گروه‌های به اصطلاح مبارزاتانی درواپستی به امریکا، فاش شدن نقش خائنانه دولت کودتایی پاکستان، نقش دولت عراق در توطئه‌های ضدجمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی بی‌دریغ جنبش کمونیستی سراسر جهان به‌عنوان یگانه‌نیروی که با تبلیغات امپریالیستی رویارویی می‌کنند از سوی دیگر هنوز کافی نیست که برای مبارزان راستین انقلاب ایران در حاکمیت کنونی زیان‌ها و خطرات آن سیاست خارجی که به‌وسیله یزیدی‌ها و قطب‌زاده‌ها اعمال شده‌و هنوز ادامه دارد روشن گردد؟ چرا رهبری انقلاب تحمل می‌کند که در چنین شرایط حساس تاریخی که انقلاب، از سر می‌گذراند عمال امپریالیسم، لیبرال‌ها و سازشکاران هنوز اهرم‌های سیاست خارجی ایران را در دست داشته باشند و با عمل خود خط‌کارت‌بروینسکی را علیه انقلاب ایران آن‌هم به‌این آشکاری و بی‌پروایی پیاده‌کنند؟ این‌ها پرسش‌هایی است که تاریخ ایران در برابر حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران مطرح خواهد کرد.

تشکیل جبهه متحد خلق

یگانه پاسخ عقلانی به خواست‌های مبرم انقلاب ایران است

اولین خواهش و تمنای دوستانه از همه مبارزان راستین این است که کلمه "خلق" را به‌یاری نگیریم. کلماتی مانند خلق، مردم، توده کلمات مقدسی هستند که نباید برای هدف‌های کدرای سوداگرانه سیاسی به بازی گرفته شوند. ارتجاع جهانی در تمام تاریخ همه مقدسات توده‌های زحمتکش و محروم را به‌بازی گرفته‌است. ما امروز بیش از هر وقت شاهد هستیم که چگونه امپریالیسم و ارتجاع جهانی "اسلام" را به بازی گرفته و با ترویج اسلام امریکایی و تحقیر و تخفیف اسلام واقعی، اسلام مبارز، اسلامی که امام خمینی بلندگوی آن است می‌کوشد تا محرومان مسلمان جهان را علیه انقلاب شکوهمند میهن ما، علیه جمهوری اسلامی ایران تجهیز نماید.

"جبهه متحد خلق" جبهه نیروهای راستین وفادار به هدف‌های استقلال طلبانه، آزادخواهانه و مردم‌دوستانه انقلاب ایران است. هنگامی که توده‌های محروم، پابرهنگها و جوانان مبارز به تانک‌های آریامهری یورش می‌برند و سینه‌های خود را در مقابل مسلسل‌ها سبز می‌کردند کسی از کسی نمی‌پرسید که اعتقادات فلسفی چیست. چرا حالا که فرمان امام خمینی برای بسیج همگانی به‌منظور مقابله با تجاوز نیروهای جهنمی امپریالیسم و ضد انقلاب به‌مرحله اجرا در می‌آید و مبارزان راه استقلال و آزادی به صفوف پایداری و مقاومت می‌پیوندند و می‌خواهند خود را برای یورش به تانک‌ها و مقابله با مسلسل‌ها و بمب‌ها آماده سازند، با این سؤال روبرو می‌شوند که عقیده فلسفی چیست؟ همه آن‌ها که در این آب و خاک زندگی می‌کنند حق زندگی دارند و حق دارند از این زندگی با جان خود دفاع کنند. چرا و برپایه کدام "حق" مبارزان مسلمان این حق را از بخش بزرگی از مبارزان می‌گیرند، انحصارطلبی در اشغال مقامات دولتی و مواضع کلیدی می‌تواند قابل فهم باشد، ولی انحصارطلبی در حق دفاع از میهن، انحصارطلبی در حق دفاع از آزادی و استقلال ملی دیگر چرا؟ این انحصارطلبی دیگر اصلاً قابل فهم نیست. این انحصارطلبی بیمارگون و خطرناک است و منشاء این بیماری همان‌سم خطرناک نفاق و جدایی است که ارتجاع در طول تاریخ بشری همیشه برای تأمین حاکمیت خود در میان محرومان پخش کرده است.

همین‌طور است برخورد با حق اظهارنظر، با حق شرکت در پیدا کردن راه حل برای مشکلات. در این‌جا هم بیماری انحصارطلبی به‌شدت وجود دارد و منشاء بیماری نیز همان‌سم جدایی افکن ارتجاعی است.

هراندازه که در دوران تدارک انقلاب و به‌ویژه در جریان آخرین مراحل نبرد شیرینی اتحاد کام مردم میهن ما را نوازش داد، همان اندازه هم در بیست‌ماهی که از انقلاب می‌گذرد شلاق جدایی‌ها، دشمنی‌های ناشی از جاه‌طلبی و انحصارطلبی و خودخواهی بدن انقلاب ما را مجروح ساخته است. انقلاب ایران در این مرحله خطرناک از موجودیتش می‌طلبد که با این بیماری خطرناک "انحصارطلبی" در زمینه "خدمت به انقلاب" بطور جدی و همه‌جانبه‌مبارزه شود و به همه نیروهای وفادار به هدف‌های انقلاب ایران امکان داده شود که همه توان خود را در راه تثبیت و تحکیم و گسترش این انقلاب شکوهمند بکار اندازند. این خواست انقلاب و این آرزو و حق همه مبارزان تنها در چهارچوب "جبهه متحد خلق" می‌تواند به واقعیت تبدیل شود، در جبهه متحدی از همه نیروهای راستین وفادار به انقلاب، صرفنظر از اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که در نظراتشان و ارزیابی‌هایشان و دیدگاه‌هایشان وجود دارد. امروز انقلاب ایران را جبهه نامیوم و جهنمی متخدی از امپریالیست‌های جهان‌خوار و حکومت‌های ارتجاعی منطقه و ضد انقلاب ایران به‌شدت تهدید می‌کند. مبارزه همه‌جانبه با این دشمنان انقلاب ایران، چهارچوب برنامه جبهه متحد خلق را بوجود می‌آورد. بگذارید اتحادی پنهان و همه‌گیر بر این پایه بوجود آید تا از تجدید سلطه‌جابرانه انحصارهای غارتگر امپریالیستی، از تجدید سلطه غارتگرانه سرمایه‌داران و زمین‌داران وابسته، از تجدید سلطه ساواک، جلوگیری شود و از نظام جمهوری اسلامی ایران برپایه قانون اساسی دفاع به‌عمل آید.

در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می‌توان به بهترین وجه همه نیروهای راستین انقلاب را تجهیز کرد و به مؤثرترین شکل با پیوند دادن و بهم آمیختن امکانات این نیروها آنان را برای سازندگی به‌کار بست.

در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می‌توان به‌درست‌ترین شکل همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری نیروهایی را که در زمینه‌های گوناگون برخورد به‌مسائل اجتماعی و فکری باهم اختلافاتی دارند ولی در زمینه دفاع از دستاوردهای انقلاب از اتفاق نظر برخوردارند، تأمین نمود.

سخن کوتاه: در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می‌توان به بهترین شکل دفاع در مقابل تجاوز قطع‌نشدنی دشمنان انقلاب را سازمان داد و برنامه بازسازی و نوسازی و پیشرفت اجتماعی جامعه را به‌پیش برد.

با این‌که نام "جبهه متحد خلق" و برنامه آن، از طرف بخشی از نیروهایی که بالقوه از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده جبهه‌های هستند هنوز هم به بازی و مسخره گرفته می‌شود، ولی کاملاً محسوس است که بویژه در ماه‌های اخیر، فکر و لزوم چنین جبهه‌ای در ابعاد گوناگون و به اشکال مختلف بخش بزرگتری از مبارزان راستین راه انقلاب ایران را به‌خود مشغول می‌سازد. ما اطمینان داریم که آنچه امروز به "شوخی" گرفته می‌شود، فردا یا پس‌فردا به‌واقعیت نیرومند جامعه انقلابی ایران بدل خواهد شد و روزی خواهد رسید که مبارزان مسلمان و پویندگان راه طبقه کارگر یعنی هواداران سوسیالیسم علمی در جبهه متحدی برای ساختمان جامعه نوین میهن ما، دوش‌به‌دوش به‌میدان‌های نبرد اجتماعی روانه شوند.

ممکن است در فاصله رسیدن به این فردا و پس‌فردا هنوز محرومان میهن ما مجبور باشند از سنگلاخ‌های دشواری بگذرند و رنج‌های فراوانی را تحمل نمایند ولی آنچه مسلم است، این است که به‌این فردا و پس‌فردا خواهیم رسید.

حزب توده ایران با تمام تیروی خود برای هموار کردن راه رسیدن به این فردای زیبا که در آن پرچم اتحاد علمی همه نیروهای راستین انقلاب برافراشته خواهد شد کوشش می‌کند و امیدوار است که سایر نیروهای مبارز انقلابی بر همه پیش‌داوری‌های ذهنی خود چیره شوند و در راه کام‌گذار...

کارگران لحاف‌دوزانند محروم‌ترین زحمتکشان اند

بسته است، ما مزد نداریم. از میزان دست‌زدشان می‌پرسیم. می‌گویند: قبلاً ۲۴ - ۲۳ تومان برای هر لحاف می‌گرفتیم ولی اعتصاب کردیم و سر کار نرفتیم. شکایت به اداره کار نوشتیم، درخواست بیمه کردیم، ولی آنها طرف استاد کار را گرفتند. به ما گفتند حق ندارید اعتصاب کنید، به ضرر مملکت است. ما گفتیم خود مان می‌دانیم که اعتصاب کردن در این موقع به‌ضرر مملکت است، ولی مزد ما هم خیلی کم است. با این گرانی به‌هیچ‌جا پیمان نمی‌رسد. بیمه هم نیستیم الان من جوانم و می‌توانم کار کنم. چند سال دیگر که از کار افتادم، چه کسی خرج خانواده مرا بدهد؟ در این کارگاهها وضع بهداشت در شرایط بسیار اسفناکی است. بیماری‌های رایج، که در نتیجه تماس زیاد با پنبه و پشم‌های آلوده و گرد و غبار حاصله از آن، معمولاً کارگران را دچار بیماری‌های تنفسی می‌کند. اغلب کارگران دچار سردرد شده‌اند. کف دست‌های کارگران در اثر فرو رفتن سوزن به آن چرکین شده است. کارگران معمولاً چون از کودکی روی لحاف خم می‌شوند و می‌دوزند، دچار رشد غیر طبیعی مهره‌های پشت و قوز شده‌اند. بازانوها پشان به‌علت طرز خاص نشستن روی زمین و کار کردن "آب آورده است. همچنین دچار بیماری‌های چشم ناشی از محیط گرد و غبار و سوزن زدن شده‌اند. در کارگاه‌های پنبه زنی هستیم. گرد و غبار ناشی از پنبه‌ها تمام فضا را پوشانده است. کارگاه بسیار تاریک است و هیچ پنجره‌ای برای ورود نور ندارد. در پشت دستگاه پنبه‌زنی کارگری کار می‌کند. با او صحبت می‌کنیم.

اسم من نعمت است. من از ۸ سالگی شروع به‌کار کرده‌ام و به علت اینکه وضع خانوادگی‌ام خوب نبوده، مجبور به کار کردن شده‌ام. الان ۲۳ سال دارم و ۱۵ سال است که اینجا کار می‌کنم. شرایط محیط کار در اینجا خوب نیست. مانه بهداشت داریم و نه وسایل ایمنی. به علت نبودن بهداشت، کارگرانی را داشته‌ایم که به سل مبتلا شده‌اند. چون وسایل ایمنی در این کارگاه وجود ندارد، بعضی از کارگران که در پشت موتور پنبه‌زنی کار می‌کردند، به علت نداشتن تجربه و حفاظدستگاه، موتور انگشتان آنها را قطع کرده است. چون بیمه‌نیستیم اگر اتفاقی برایشان بیفتد، مجبوریم خودمان پول مداوا را بپردازیم. ما از دولت می‌خواهیم به‌وضع ما رسیدگی کند. میزان حقوق ما ۶ تا ۸ تومان است.



کارگران لحاف‌دوزانند محروم‌ترین زحمتکشان اند

ما از هفت صبح تا هفت شب کار می‌کنیم و فقط یک ساعت برای نهار خوردن می‌رویم. ولی این حقوق خیلی کم است. بعضی کارگران برای اینکه مزد بیشتری بگیرند، مجبورند از ساعت ۵ صبح تا ۷ غروب کار کنند تا ۱۲ تومان بگیرند. از حق مسکن و حق اولاد و سایر مزایا هم خبری نیست. ما حتی وقت تفریح هم نداریم.

کارگران در مورد سندیکا می‌گویند: تمام کارگران علاقه زیادی به تشکیل سندیکا دارند. ما در زمان طاغوت سندیکا داشتیم، ولی سندیکای واقعی نبود و بیشتر کارفرما در آن دخالت داشت. در حال حاضر یکی از علل نبودن سندیکا مانع کارفرماست و یکی هم اینکه وقت نداریم. کارگر دیگری، که خود را حسن معرفی می‌کند و پشت موتور پنبه‌زنی کار می‌کند، می‌گوید: روزی ۱۰ ساعت کار می‌کنم و ۷ تومان می‌گیرم، ۴۷ سال دارم، ولی کار طاقت‌فرسا را برپایه نشان می‌دهد. در این کارگاه، گرد و غبار پنبه ما را خیلی آذین می‌کند، بطوریکه من چشم‌هایم درد می‌کند و همیشه اشک می‌ریزد. تنگ نفس هم دارم. روزهای جمعه که تعطیل هستیم، حقوق نمی‌گیریم، مگر اضافه کار کنیم. همه امیدمان را به انقلاب دوخته‌ایم، تا بلکه وضع ما بهتر شود. ما کارگران در انقلاب شرکت داشتیم و حالا می‌خواهیم که با آسایش و راحتی بیشتری زندگی کنیم.

کارگران لحاف دوز می‌خواهند:

- ۱ - ساعات کار آنها مشخص شود و به ۸ ساعت در روز تقلیل یابد.
- ۲ - اگر کارگری به علت بیماری نتوانست در محل کار خود حاضر شود، حقوق وی پرداخت شود.
- ۳ - به وضع بیمه و تأمین اجتماعی کارگران لحاف دوز رسیدگی شود.
- ۴ - دولت به خواست‌های برحق کارگران رسیدگی کند و شرایط زندگی آنها را تسهیل نماید.
- ۵ - سن بازنشستگی برای همه کارگران، از جمله کارگران لحاف‌دوز کمتر از ۶۰ سال باشد.
- ۶ - کارگران خردسال باید راهی مدرسه‌ها شوند جای آنها در پشت میز مدارس است.
- ۷ - کارگران لحاف دوز نظیر سایر کارگران ایران چشم انتظارند که به کمک انقلاب فرجی در زندگی‌شان حاصل شود.

کارگران لحاف‌دوزانند محروم‌ترین زحمتکشان اند. عده آنها در نهار به صدها نفر می‌رسد، که بیشتر آنها را کودکان خردسال ۱۴ تا ۱۵ ساله تشکیل می‌دهند. برخی از این کودکان ۲-۳ سال به مدرسه رفته‌اند، ولی به علت وضع خانوادگی، اجباراً مدرسه را ترک کرده و به کار مشغول شده‌اند.

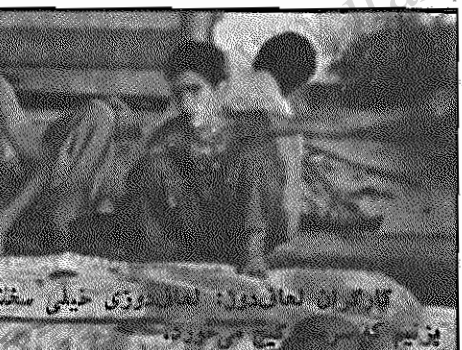
این زحمتکشان دارای هیچ‌گونه تسهیلات صنعتی نیستند. این امر در رژیم سابق، به علت خصالت ضدکارگری آن، تا اندازه‌ای توجیه می‌شد. سرمایه‌داران و کارفرمایان هر وقت که تصمیم به اخراج کارگران می‌گرفتند، بدون هیچ دغدغی این کار را انجام می‌دادند. اما کارگران در رژیم نوین با جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند که از امنیت شغلی به‌مراتب بیشتری برخوردار گردند.

با کارگران لحاف‌دوز نهار به گفتگو نشستیم و از وضع کار آنها می‌پرسیم. می‌گویند: در این مغازه ۶ کارگر هستیم، که ۳ تایمان کمتر از ۱۴ سال سن دارند. روزی ۱۵ لحاف بزرگ یا ۲۰ لحاف کوچک می‌دوزیم. هر لحاف بزرگی که می‌دوزیم، ۲۴ - ۲۳ تومان اجرت می‌گیریم. چند روز پیش درخواست کردیم تا مزد ما را زیاد کنند، ولی استاد کار موافقت نکرد و ما را تهدید به اخراج کرد. به اداره کار شکایت کردیم، هم برای بیمه هم برای مزد، ولی نتیجه مطلوب را نگرفتیم.

از وضع بیمه آنها می‌پرسیم. می‌گویند: ما بیمه نیستیم. قبلاً در زمان طاغوت که می‌آمدند ما را بیمه کنند، استاد کار به‌ما می‌گفت: بروید بیرون از مغازه که بیمه‌های ما آمدند و ما هم می‌رفتیم.

چند ساعت در روز کار می‌کنید؟
 کار ما ساعتی نیست. ما تک‌دوزی می‌کنیم، یعنی به تعدادی که لحاف می‌دوزیم، مزد می‌گیریم. روزهای جمعه و تعطیل و عیدها هم هیچ مزدی نمی‌گیریم.

مناه هل هستی یا نه؟
 من ۲۸ سال دارم. زن و بچه هم ندارم. از وقتی که بچه بودم، اینجا کار می‌کرده‌ام. الان وضع بهتر است. آن وقت‌ها، تا قبل از اینکه به سربازی بروم، اصلاً مزدی نمی‌گرفتم. یادم است ۲ سال تمام کار کردم، بعد استاد کار یک کت و - شلوار قرمز راه راه سیاه بازاری و یک جفت گیوه بند رنگی برایم خرید. بعد، از سربازی هم که برگشتم دو باره آدمم سر کار.



کارگاه‌ها شمار و بیکردست حسابی ندارند، برق ندارند، سفیدکاری نشده؟

آقا، کارگاه لحاف دوزی است دیگه. تازه الان تابستانه و هوا خوب است، زمستان‌ها آنقدر سرد می‌شود که ما ول می‌کنیم و می‌رویم به دهات و کارهای دیگه را انجام می‌دهیم، یا به شهرهای گرمسیری مثل بندرعباس می‌رویم.

در این کارگاه، مانند سایر کارگاه‌ها، کارگران کم سن و سال فراوان به چشم می‌خورند، که هر کدام در روز ۱۰ - ۵ تومان مزد می‌گیرند. این کودکان به جای اینکه به مدرسه بروند، به لحاف دوزی مشغول‌اند. وقتی از آنها می‌پرسیم: چرا به مدرسه نرفتاید، یکی از آنها می‌گوید: پدرمان نمی‌گذارد. ما می‌تیم کار می‌کنیم و کمک خرجی برای پدرمان در می‌آوریم. روزی ۱۰ تومان به من می‌دهند، ولی بقیه روزی ۵ تومان می‌گیرند، چون من مدت زیادی است که کار می‌کنم. پهرام می‌گوید: من ۱۳ ساله‌ام و ۹ سال است که در اینجا کار می‌کنم. وارد کارگاه دیگری می‌شویم و با یک کارگر ۲۱ ساله صحبت می‌کنیم. می‌گوید: روزی ۵۰ تومان خرج خانه می‌دهم، ۳۰ - ۲۰ تومان هم خرج هیكل خودم است. هر چقدر کار کنم، روزی ۷۵ - ۷۰ تومان بیشتر نمی‌شود، که به هیچ‌جا نمی‌رسد. لحاف‌دوزی خیلی سخت است آنقدر باید دور یک لحاف بگردیم و سوزن بزنیم که سرمان گیج می‌خورد.

از وضع بیمه می‌پرسیم. می‌گوید: بیمه نیستیم. الان ۲ سال است که مریض هستم. پیشانی‌ام درد می‌کند و چرک کرده‌است. چقدر پول دوا و دکتر داده‌ام، حتی برای دکتر به تهران هم رفتم. به خدا پول یک نسخه ۶۰۰ تومان شده است. الان من جوانم، ۲۱ ساله‌ام و ۱۶ سال است که دارم کار می‌کنم. اگر یک روز کار نکنیم، مزد نداریم.

از حق مسکن، بازنشستگی، عیدی، پاداش حق اولاد و مزایای دیگر اصلاً خبری نیست. کارگری می‌گوید: زمان انقلاب یک سال بیکار بودیم. کسی نیامد بگوید، این یک قران را بگیر و خرج کن. گفتیم بعد از انقلاب وضعمان بهتر می‌شود، ولی بهتر نشده. حالا هم هر روز که تعطیل است و بازار

این مقاله در تاریخ ۲۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ برای شماره ۶ مجله «دنیای نگاه» نگاشته شده است. از آنجا که چاپ مجله، مدتی به طول خواهد انجامید، نظر به اهمیت پیش‌بینی‌ها و ارزیابی‌هایی که در این مقاله انجام گرفته است، درج سریع آن را در نامه «مردم» ضرور دانستیم.

اگر بخواهیم برای وضع کنونی ارزیابی دقیقی بدهیم به این نتیجه می‌رسیم که: فشار دشواری‌ها بر انقلاب میهن ما هرروز سنگین‌تر می‌شود؛ شکاف‌های ناشی از چند دستگی، عدم تفاهم، هرروز عمیق‌تر می‌گردد. پیامد این دو واقعیت دردناک این می‌شود که: ضد انقلاب یعنی جبهه متحد دشمنان سوگندخورده خارجی و داخلی کشور ما به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هرروز هارتر، جسورتر و متجاوزتر می‌گردد؛ جبهه نیروهای انقلاب هرروز بیشتر به درگیری‌های خانمانسوز در درون خود مشغول می‌شود و در نتیجه پایداریش در مقابل تهاجمات ضد انقلاب ناتوان‌تر می‌گردد. این‌ها واقعیت‌هایی هستند که هرروز و هرلحظه در برابر چشمان هر مبارز دلسوز به سرنوشت انقلاب ایران قرار می‌گیرند. این واقعیت‌ها نگرانی‌آورند و نمی‌توان به انقلاب علاقمند بود و با خیالی آسوده از کنار آن‌ها گذشت.

درست است که انقلاب شکوهمند مردمی ما هنوز نیروی عظیم بالفعل و بالقوه در درون خود دارد و وجود همین نیروی عظیم است که تاکنون توطئه‌های خطرناک دشمنان انقلاب را نقش بر آب ساخته است، ولی بر اثر ضعف رهبری انقلاب در حل دشواری‌ها و برداشتن سدها و موانع از سر راه گسترش مردمی آن، این نیرو دچار رکود شده و در دوران اخیر رو به کاهش گذاشته است. گفته می‌شود که این دشواری‌ها، دشواری‌هایی است که هر انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی و مردمی بدنبال دارد. در این ادعا یک هسته درست وجود دارد. همه می‌دانیم که هر انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی و مردمی که بخواهد در راه تامین استقلال واقعی در قبال سلطه نیروهای اهریمنی امپریالیسم جهان‌خوار و در راه درگونی مناسبات اجتماعی به سود محرومان و به‌زیان غارتگران به اقدامات بنیادی دست زند (و اگر واقعا "انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی است راهی جز این ندارد) با دشواری‌های عظیمی روبرو خواهد شد. برای جامعه‌ای که طی دهه‌ها سال‌نچیر-های اسارت و وابستگی به امپریالیسم خونخوار به دست‌وپایش بسته شده بود، رهایی از این اسارت و وابستگی کار آسانی نیست و این کار با دشواری‌های بسیاری توأم است. ولی این هسته درست عینی، تنها یک سوی سکه را نشان می‌دهد. سوی دیگر سکه این است که نیروهای انقلاب چگونه می‌توانند بر این دشواری‌ها چیره شوند. در این‌جا است که نقش رهبری انقلاب، نقش رهبری این ارتش عظیم آماده به از خودگذشتگی و جانبازی در راه پیروزی انقلاب اهمیت تاریخی و تعیین‌کننده پیدا می‌کنند. در شرایط نبرد زندگی و مرگ که اکنون برای انقلاب میهن ما بوجود آمده است، اگر رهبری انقلاب بتواند نیروهای عظیم انقلابی را به صورت ارتش واحد و متحدی گرد هم آورد، و در جبهه‌های گوناگون نبردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی به میدان بفرستد و از امکانات عظیم مساعدی که در شرایط امروزی جهان و در درون کشور ما به‌سود تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وجود دارد، بهره‌گیری کند، به آسانی خواهد توانست همه‌دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب را نقش بر آب سازد و میهن ما را در راه گسترش پایه‌های استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی با گام‌های فرسنگی به پیش ببرد.

برای آن‌که رهبری انقلاب ایران بتواند علی‌رغم همه دشواری‌ها و همه دشمنی‌های کین‌توزانه و شیطانی امپریالیست‌ها و سرسپردگان‌شان انقلاب را پیرومندانه در چنین راهی به پیش ببرد، در همه زمینه‌ها، هم در درون جامعه ایران و هم در صحنه جهانی از امکانات عظیم واقعی برخوردار است. با هیئت حاکمه کشور است که دوران هرگونه پیشداوری باروشی واقع بینانه از این امکانات عظیم و تاریخی بهره‌گیری نماید. حتی یک مقایسه سطحی امکانات عظیمی که برای پیروزی انقلاب ایران در شرایط کنونی جهان وجود دارد با امکانات به مراتب محدودتری که برای انقلاب‌های بیروزمند الجزایر، ویت‌نام، کوبا، آنگولا، موزامبیک و کشورهای دیگر نظیر آن‌ها وجود داشته است، ما را به این نتیجه می‌رساند که بزرگ‌ترین نقطه ضعف انقلاب ما را باید ندر عوامل عینی و دشواری‌های اجتناب‌ناپذیر بلکه در ناتوانی حاکمیت در زمینه بهره‌گیری از عوامل مثبت جستجو کرد.

برخلاف نظر افراد و گروه‌هایی که می‌گویند این ناتوانی را تنها پیامد عمل آگاهانه بخش مؤثری از حاکمیت کنونی کشور معرفی کنند، حزب توده ایران بر آنست که این ناتوانی دوریسه عمده و تعیین‌کننده دارد؛ یکی برخورد غیرواقع بینانه و غیرعلمی بخشی از حاکمیت که با انقلاب وفادار و به پیروزی آن علاقمند است و دیگری عمل آگاهانه و خرابکارانه ضد انقلاب که در دستگاه در هم شکسته شده اعمال حاکمیت دولتی، یعنی در دستگاه‌های اداری، نظامی، تأمین، اقتصادی و تبلیغاتی حساس‌ترین مواضع کلیدی را در دست داشته و از این مواضع به‌طور پیگیر و خستگی‌ناپذیر هرگونه تجمع نیروها، هرگونه تفاهم، هرگونه تلاش واقع بینانه برای بهره‌گیری از عوامل مثبت و مساعد به سود انقلاب را زیر آتش تخریبی توپخانه ضد انقلاب قرار می‌دهند.

دشواری‌ها را کمی بشکافیم

برای آن‌که این ادعای ما در هوا نماند، به واقعیات می‌پردازیم، عمده‌ترین دشواری‌ها را کمی می‌شکافیم، راه‌حل‌های منطقی و عقلانی مبارزه علی‌ان‌ها را بررسی می‌کنیم و این راه حل‌ها را با آن‌چه که از طرف حاکمیت کنونی انجام گرفته روبرو قرار می‌دهیم.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران برای هرکس که کوچکترین آشنایی به اوضاع جهان امروز ما داشت روشن بود که امپریالیسم جهان‌خوار که موجودیتش به غارت منابع نفتی منطقه خلیج فارس بستگی دارد، به هیچ‌قیمتی با انقلاب ایران که دارای محتوی و ماهیت عمیقاً ضد امپریالیستی و مردمی بود آشتی نخواهد کرد. کاملاً روشن بود که همه رژیم‌های وابسته به امپریالیسم در سراسر جهان و به‌ویژه رژیم‌های ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در منطقه و مجاورت ایران (اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان، ترکیه، عمان، بحرین، امارات عربی) که پایه‌های حاکمیت خائنانه جابرانه‌شان با انقلاب ایران به‌لرزه درآمده بود، تمام نیروی خود را برای درهم‌شکستن این انقلاب به‌کار خواهند انداخت و از ترس سرایت انقلاب ایران به کشورهایشان هرروز بیشتر خود را در اختیار غرب امپریالیستی قرار خواهند داد.

روشن بود که حداقل خواست و مبرم‌ترین هدف این دشمنان انقلاب ایران، بازگرداندن اوضاع دوران طاغوت به ایران، یعنی تجدید کامل وابستگی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ایران به نظام متعفن غربی است.

امپریالیسم جهان‌خوار به سرکردگی آمریکا نه تنها پس از پیروزی انقلاب، بلکه از همان روزهایی که جنبش انقلابی ایران روبرو می‌رفت و دورنمای درهم‌شکسته شدن رژیم طاغوتی نمایان می‌شد نقشه سرکوب انقلاب ایران را می‌کشید. افشاکری‌های سولیوان (آخرین فرماندار آمریکایی ایران دوران طاغوت) در روزهای اخیر به خوبی نشان می‌دهد که نقشه درهم‌شکستن جنبش انقلابی ایران از راه یک کودتای نظامی به هیچ‌وجه نقشه تازه‌ای نیست. این همان نقشه‌ای است که در ایران سال ۱۳۳۲ و پس از آن در اندونزی، در سودان، در شیلی، در پاکستان، در ترکیه، در آرژانتین و دهه‌ها کشور دیگر به موقع اجرا درآمد. پس از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

نورالدین کیانوری:

تشکیل جبهه متحدان

فشار دشواری‌ها هرروز سنگین‌تر می‌گردد

و مردمی کشور ما با دشمن کین‌توز و خطرناک یعنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و همه حکومت‌های ارتجاعی منطقه روبرو است و باید هرلحظه انتظار داشت که این دشمن توطئه جدیدی را برای از پاد آوردن نظام انقلابی و تغییر بنیادی در مستگیری ضد امپریالیستی و مردمی آن تدارک ببیند.

ولی با کمال تأسف به جای آن‌که حاکمیت انقلابی کشور این واقعیت را دقیقاً بشناسد و همه نیروهای انقلاب را در راه مقابله با این خطر عظیم تجهیز کند و در آن شرایط مساعد اتحادکم نظیر نیروهای انقلابی جبهه متحدی از این نیروها با برنامه‌ای عملی بوجود آورد، تحت تاثیر لیبرال‌ها قرار گرفت و دچار خوش‌باوری شد و خطر را به مراتب کوچک‌تر از آن‌چه بود ارزیابی نمود. واقعیات سرسخت نشان دادند که تجربه تفویض دولت به لیبرال‌های هوادار نزدیکی به آمریکا، که خوشبختانه با دیدار با برژینسکی در الجزایر کوس رسوایش زده شد، تا چه اندازه برای انقلاب ایران گران تمام شد.

حزب توده ایران از همان اولین ماه‌های پیروزی، خطر خیانت لیبرال‌ها را به انقلاب کاملاً پیش‌بینی کرد و نیروهای اصیل انقلابی را از این خطر برحذر داشت. دوران حکومت لیبرال‌ها که عوامل سرسپرده وابسته به آمریکا نظیر امیرانتظام‌ها، نژیها، مقدم‌مراغی‌ها، ایزدی‌ها و دستیاران هنوز افشاء نشده دیگر آن‌ها حساس‌ترین مواضع کلیدی آن‌را در دست داشتند. دوران فلج حاکمیت انقلابی در یکسو و دوران سازماندهی نیروهای ضد انقلاب و تدارک‌خیزه‌های کودتایی آمریکایی از سوی دیگر بود.

ولی جنبش انقلابی ایران نیرومندتر و رهبر آن بیدارتر از آن بود که این توطئه امپریالیسم و ضدانقلاب و نیروهای سازشکار بتوانند پیروز شوند. اقدام جسورانه و انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به اشغال جاسوخانه آمریکا ضربه شکننده‌ای به این توطئه وارد ساخت و همان‌طور که امام خمینی ارزیابی کرد سرآغاز انقلاب تازه‌ای که به مراتب عمیق‌تر و عظیم‌تر از انقلاب بهمن‌ماه است، گردید.

با فاش شدن و سرنگون شدن دولت سازشکار و تسلیم طلب لیبرال، امپریالیسم آمریکا از کامیابی اولین توطئه علیه انقلاب ایران مایوس گردید و بلافاصله نقشه‌های از پیش آماده شده برای تدارک کودتای نظامی را وارد مرحله عمل کرد.

ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در هشت زمینه مشخص نقشه‌های از پیش آماده شده که در آزمایش‌های ضد انقلابی ۳۰ ساله اخیر بارها به‌مورد اجرا گذاشته شده را علیه انقلاب ایران به‌مورد اجرا گذاشت. این هشت زمینه عبارتند از:

۱. ایجاد جو وحشتناک تبلیغاتی علیه انقلاب ایران در سراسر جهان امپریالیستی و حتی در درون ایران؛

۲. فلج کردن و ناتوان ساختن جبهه مقاومت انقلابی ایران از راه منفجر ساختن عمده‌ترین عامل نیرومندی آن، یعنی وحدت سمت‌گیری و اتحاد عمل همه نیروهای راستین هوادار انقلاب، به‌وسیله دامن‌زدن به اختلافات فرعی و تشدید هم‌گونه تشنجات درونی در جامعه ایران؛

۳. منزوی کردن سیاسی ایران در دنیای امپریالیستی؛

۴. تیره‌کردن مناسبات ایران با کشورهای دوست و پشتیبان انقلاب ایران و به‌ویژه همان‌طور که رهنمود برژینسکی صریحاً اشاره می‌کند، تیره‌کردن مناسبات ایران با اتحاد شوروی؛

۵. اعمال محاصره اقتصادی؛

۶. تسریع در تکمیل محاصره نظامی ایران که از همان آغاز اوج جنبش انقلابی در ایران آغاز شده بود؛

۷. عملی ساختن کار سازماندهی نیروهای ضد انقلاب در ایران و انجام اقدامات وسیع خرابکاری تا حد تدارک کودتا؛

۸. تدارک یک نیروی ضربتی ضد انقلاب در خارج کشور برای آخرین مرحله اجرای نقشه براندازی جمهوری اسلامی ایران.

امروز دیدن این نقشه امپریالیسم آمریکا که سرکردگی همه دشمنان انقلاب ایران را به‌عهده دارد زیاد دشوار نیست، زیرا همه اجزاء آن دیگر آشکار شده است. ولی توجه به این واقعیت بسیار ضرور و جالب است که چگونه اقدامات دولت لیبرال در همه زمینه‌ها تکرار می‌کنیم در همه زمینه‌ها کمک‌رسانی و زمینه‌سازی برای پیشرفت این نقشه‌ها بوده است.

در این‌جا برای رعایت صداقت تاریخی باید با تمام صراحت یادآوری کنیم که این حکم‌ما دلیل بر آن نیست که همه افراد و اعضا و هواداران دولت لیبرال مانند امیرانتظام و نژیه آگاهانه و خائنانه چنین سیاستی را داشته‌اند. نظر ما این است که موضع‌گیری سازشکارانه و غیر انقلابی لیبرال‌ها که ناشی از ماهیت طبقاتی ایشان است، آنان را به این راه رانده است. کوشش لیبرال‌ها در جهت محصور کردن انقلاب در چهارچوب نگهداری نظام غارتگر سرمایه‌داری-آنان را عملاً به جاده صاف کن راه بازگشت بزرگ سرمایه‌داران وابسته و کلان زمین‌داران به قدرت یعنی به بازگشت نظام سرنگون شده مبدل می‌سازد.

این‌که دولت لیبرال‌ها را (بخشی آگاهانه و بخشی ناآگاهانه) برای پیشرفت این نقشه جهنمی دشمنان خارجی و داخلی انقلاب هموار ساخته است، غریب و عجیب نیست. دردناک این است که پس از این تجربه تلخ چطور لیبرال‌های رانده‌شده از قدرت دولتی توانستند در شورای انقلاب باقی بمانند و همان‌طور که آقای دکتر باهنر در کارنامه شورای انقلاب یاد کرد، به سیاست ترمزکننده خود در حل مشکلات اجتماعی ادامه دهند.

واقعیت این است که پس از سرنگونی دولت لیبرال و آغاز مرحله جدید تجاوز آشکار امپریالیسم و ضدانقلاب، عمل شورای انقلاب (یا خود این‌که گام‌های مهمی در جهت رهنمودهای امام خمینی برداشت) در زمینه افشا کردن و خنثی کردن توطئه‌های رنگارنگ نیروهای ضد انقلاب در درون کشور و در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان یعنی در همه زمینه‌های آگاهانه‌ای که یادآوری کردیم نقاط ضعف بسیار جدی داشته است.

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی

واقعیت این است که از طرف حاکمیت جمهوری ایجاد نهادهای قانونی و نه پس از آن که این هم‌جان‌بهای برای رویارویی با توطئه‌های دشمنان نگردیده، بلکه برعکس مردم ایران شاهد رویداد آب به آسیاب پیشرفت هدف‌های دشمنان انقلاب کافی است تنها به برخی از این نکات توجه کنید.

در زمینه تجمع و تجهیز نیروهای انقلاب

مثلاً "ببینیم در زمینه عمده‌ترین مسئله برای امام خمینی تقریباً" در هریرآمد خود به آن اشارت نیروهای راستین وفادار به انقلاب چه می‌گذرد؟ انقلاب ایران، امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و مسلمان و هواداران مکتب سوسیالیسم علمی که دفاع می‌کنند، بلکه میان مبارزان مسلمان شیعه رهبران مسلمان شیعه، میان مجلس و رئیس مقامات مسئول حاکمیت دولتی و نهادهای انقلاب وفادار به انقلاب آتش نفاق را برافروزند. به‌عنوان درست توجه کنید، حلقه به دفتر حزب توده و علی می‌گردد که با شکست خطرناک‌ترین توطئه‌ها گمان روشن می‌شود که حزب توده ایران سهم داشته است. آیا امروز که حقایق بسیاری درباره

کرده، دلایل کافی به دست نمی‌دهد که بخش توده ایران به انتقام‌جویی کودتاچیان، یعنی مبارزان مسلمان که همه این تجاوزات به نام آن انقلاب قرار گرفته‌اند؟ آیا ادامه این تجاوزات طرف رئیس جمهور، دادستان کل کشور، امام اسلامی نشان‌دهنده این نیست که دست ضد انقلاب همه این‌ها نشان می‌دهد که رهبران جمهور دشمن در زمینه ایجاد نفاق و دامن زدن به تشدد عقل سلیم و دید روشن حتی ساده‌ترین افتر تلاش ما باید در جهت خاموش کردن این آتش شعله‌ور ساختن آن.

آیا در داور نیست که دستگاه‌های تبلیغاتی راستین انقلاب حتی از گفته‌های تحریک‌آمیز چرت‌و‌پرت برای دامن زدن به آتش نفاق و دشمنی که امیرالتهران و رکنی که تا آخرین دم به هدف‌های نیروهای انقلاب را خوب تشخیص می‌دهند و باستان، حیات ننگین خود آخرین زهر خود را بریزند، مسوم‌ترسازند. اینان آگاهانه عمل می‌کنند، و دامی که آشکارا جلوی پای آنان گسترده می‌شود، ما اطمینان داریم که عوامل ضد انقلاب نظر ساعت‌ها فیلم برای "پیروزی" کودتا، تدارک بین سیاسی جای گرفته‌اند و با تظاهر به "متعهد و مکت می‌دهند.

برخورد با مسئله ملی

نمونه دیگری از برخورد نادرست با توطئه حاکمیت در مورد کردستان است.

از همان آغاز انقلاب روشن بود که امپریالیسم اجتماعی کشورهای نظیر ایران و باشناخت تمام اقلیت‌های ملی و هم در میان نیروهای مؤثر ملی به زبان انقلاب و در جهت ایجاد کانونه امروز ما شاهد آن هستیم که این توطئه، عراق و به‌گرداندن عوام وابسته به امپریالیسم بخشی از خلق رنج‌دیده و دهنه‌بار در تاریخ، و مهم‌ترین مرکز فعالیت ضد انقلاب در کردستان به‌نظر ما در کنار تحریکات امپریالیسم و به واقع بینانه حاکمیت در ایجاد چنین وضعی عمده جمهوری اسلامی ایران به مسئله کردستان و به (مانند آذربایجان، بلوچستان، خوزستان و منا مبتنی بر تجربه تاریخی ده‌ها نمونه مشابه در آن

همه نیروهای راستین وفادار به انقلاب یگانه راه رستگاری است

بر انقلاب میهن ما بن تر میشود

ممکن بود که ضدانقلاب و عناصر ماجراجو و آشوب طلب رامنزوی ساخت و امکانات توطئه و آتش افروزی را از آنان گرفت. به نظر ما هنوز هم دیر نشده است. حزب توده ایران پیوسته به این نکته تکیه کرده است که حل مسئله کردستان و به طور کلی حل مسئله ملی، و در ارتباط با آن غیرممکن ساختن تلاش های امپریالیسم و ضدانقلاب در جهت بهره گیری از این مسئله به سود خود تنها از راه صلح آمیز، از راه به رسمیت شناختن حقوق واقعی این خلق های محروم، تنها از راه پایان دادن به محرومیت های ملی، از راه احترام به زبان، مذهب و سنن و پذیرفتن حق انسانی اداره خود برای این خلق ها در چهارچوب ایران واحد با دولتی مرکزی، در چهارچوب تمامی حقوق دموکراتیک برای همه مردم ایران امکان پذیر است. تاریخ نشان خواهد داد که عدم توجه به این پیشنهاد حزب ما تا چه حد برای انقلاب ایران گران تمام خواهد شد.

بمنظر ما در چنین چهارچوبی سرکوب جرمه های ضد انقلاب در این مناطق ملی به آسان ترین شکل و با کمترین نیرو امکان پذیر است.

تدارک در برابر محاصره اقتصادی

توسل به محاصره اقتصادی از سوی امپریالیسم برای به زانو درآوردن انقلاب ایران مسلم و حتمی بود. وجود نظام مستقل اقتصادی و سیاسی در ایران - تکیه می کنیم در ایران - با موقعیت منحصر به فرد سوق الجیشی اش برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه نظامی نه امروز و نه فردا و نه پس فردا قابل تحمل نیست.

ایران، الجزایر و تانزانیا نیست. اگر محاصره اقتصادی کوبا از سوی آمریکا حتی پس از پانزده سال در شرایطی که تغییر نظام سیاسی آن کشور دیگر جزو محالات به شمار می آید، ادامه دارد، فشار اقتصادی امپریالیسم بر ایرانی مستقل تنها وقتی قطع خواهد شد که راه برای تجدید وابستگی اقتصادی و به موازات آن وابستگی سیاسی و نظامی و فرهنگی ایران به غرب امپریالیستی باز شده باشد و یا لاقابل مانند دوران دولت لیبرال امید زیادی به باز شدن آن موجود باشد.

یک لحظه با دقت به این گفته برزیل در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ توجه کنید "برزیل تکیه می کند بر جمع شورای امور جهانی در لوس آنجلس سخن می گفت به موضوع ۵۲ گروهان آمریکایی در تهران و عملیات نافرجام کوماندهای آمریکایی در ایران اشاره ای نکرد. برزیل تکیه چندین بار اهمیت ایران و افغانستان را برای امنیت کشورهای غربی مورد تاکید قرار داد. برزیل تکیه گفت اگر این منطقه منفجر شود... توازن قدرت در جهان نه تنها بطور عمده بلکه بطور تغییرناپذیری از بین خواهد رفت" (نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۱ اردیبهشت ۵۹).

درست توجه کنید: امپریالیسم آمریکا تحکیم جمهوری اسلامی را در ایران و جمهوری دموکراتیک خلق را در افغانستان عامل انفجار در منطقه می داند و این انفجار را برای جهان امپریالیستی فاجعهای جبرانناپذیر به حساب می آورد.

آیا این اعتراف صریح بلندگوی عمده امپریالیسم آمریکا کافی نیست که به این نتیجه برسیم که هرگونه تلاش برای ناتوان ساختن و برانداختن جمهوری اسلامی در ایران و جمهوری دموکراتیک خلق در افغانستان تنها به سود تحکیم مواضع امپریالیسم آمریکا، دشمن شماره یک همه محرومان جهان و دشمن شماره یک انقلاب ایران تمام می شود. هرکس غیر از این بیندیشد، اگر هم نسبت به هدف های انقلاب ایران صادق باشد، از واقعیات سیاست جهانی ناآگاه است و هنوز امپریالیسم را نشناخته است. این فرضیه هم که گویا تضادهای درونی در دنیای امپریالیستی آنقدر شدید هستند که می توان بدون "وابستگی" از این تضادها بهره گیری کرد و محاصره اقتصادی آمریکا را با کمک کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن درهم شکست در جریان رویدادهای ماه های اخیر نارسایی خود را نشان داد. استفاده عملی از تضادهای درونی قدر قدرتهای امپریالیستی تنها در مواردی امکان پذیر می شود که منافع حیاتی مجموعه دنیای امپریالیستی در خطر نباشد. فراموش نکنیم، بازم فراموش نکنیم و صدبار فراموش نکنیم که ایران مستقل و آزاد و غیر وابسته با نظام "ضد امپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی" در مرحله کنونی تاریخ جهان که هستی کشورهای رشد یافته امپریالیستی بامنابع نفتی خلیج فارس وابستگی تعیین کننده پیدا کرده، برای مجموعه این دنیای امپریالیستی تهدیدی جدی است. بی دلیل نیست که ما شاهد این واقعیت هستیم که در مورد فشار به ایران و توطئه برای برانداختن رژیم انقلابی در افغانستان، بطور بی سابقه ای در ده سال اخیر جبهه کشورهای امپریالیستی یکپارچگی به خود گرفته است.

ساخت این واقعیت باید تعیین کننده سیاست کوتاه مدت و درازمدت اقتصادی ایران باشد. جمهوری اسلامی ایران به پیروی از این واقعیت باید بی درنگ پس از انقلاب پیروزمند و یا لاقابل پس از تجربه دردناک دولت سازشکار لیبرال، و یا پس از آغاز اعمال محاصره اقتصادی و پیوستن آشکار و عهد شکنانه کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن به این سیاست، تصمیم قاطع خود را برای رویارویی با آن می گرفت و با اقدامات جسورانه در جهت گسترش و تحکیم مناسبات دامنه دار اقتصادی به منظور رفع نیازمندی های فوری و ایجاد زمینه برای پیشرفت های آینده با آن کشورهایی که آماده همکاری های اقتصادی با ایران بودند و در درجه اول با کشورهای سوسیالیستی، کشورهای ضد امپریالیستی آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و بالاخره با کشورهای غیر وابسته به امپریالیسم این تجاوز آشکار دشمنان انقلاب ایران را با ناکامی روبرو می ساخت. با گزینش چنین سمتگیری در زمینه مبارزه با محاصره اقتصادی امپریالیست ها با بهره گیری از امکانات استثنایی مساعد که درآمد کلان ارزی از نفت یکی از آنها است، بدون تردید بخش عظیمی از مشکلاتی که امروز گریبانگیر اقتصاد کشور ما در همه زمینه ها است، وجود نداشت و ایران می توانست با یوزخندی بیروزمندان به تهدیدات غارتگران جهانی پاسخ گوید. ولی با کمال تأسف آنچه را که ما شاهد آن هستیم از یک چنین سیاست عقلانی کاملاً به دور است. پایه مناسبات اقتصادی خا...

اقتصادی "برابروگانه" با دنیای امپریالیستی غرب تشکیل می دهد. هنوز در مقابل این دورنمای غیرقابل اجتناب در مناسبات دنیای امپریالیستی با انقلاب ایران هیچ گونه استراتژی کوتاه مدت و درازمدت مقاومت و پایداری اقتصادی پایه گذاری نشده است. مثل این که بسیاری از دولتمردان اینطور فکر می کنند که انقلاب ایران فقط "شوخ کرده است" و به همین جهت امپریالیست ها بیخود از آن به وحشت افتاده اند. آنان برای آن که این بازی قایم باشک را به خیال خود گرم تر کنند به تیره کردن مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با اتحاد شوروی پرداخته اند و از این راه می کوشند تا ثابت کنند که دولت انقلابی ایران در دشمنی با سوسیالیسم و بویژه اتحاد شوروی گوی سبقت را حتی از ضیاء الحق و سادات و دمیرل هم خواهد ربود. و چنین سیاست مهلک برای انقلاب ایران، چنین خدمت به پیاده کردن خط برژینسکی درست در زمانی به اجرا درمی آید که توطئه های جنایت آمیز امپریالیست ها علیه انقلاب ایران به اوج خود رسیده و کودتا پس از کودتا تدارک دیده می شود و زمینه حمله همه جانبه نظامی به جمهوری اسلامی آماده می گردد. در نتیجه این سیاست غیرواقع بینانه و تحت تاثیر اقدامات خرابکارانه عوامل دشمن از یک سو و سرمایه داران بزرگ متمایل به سازش با غرب امپریالیستی از سوی دیگر که در حقیقت عمده ترین شریان های اقتصاد ما و بویژه تجارت خارجی و توزیع داخلی کشور را در دست دارند، مشکلات اقتصادی نگرانی آوری رشد یافته و هر روز بیشتر رشد می یابد. تنها با تغییر بنیادی سمتگیری در سیاست اقتصادی برپایه گسترش مناسبات اقتصادی با دنیای ضد امپریالیستی و مستقل می توان در مقابل فشار روزافزون و پایان ناپذیر امپریالیست ها پایداری کرد. راه دیگر راه تسلیم به خواست های اساسی امپریالیسم جهانی یعنی تجدید وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران به امپریالیسم یعنی تبدیل ایران به پاکستان و ترکیه و عربستان دیگری است. ما فکر می کنیم که راه سومی برای ایران - تکیه می کنیم برای جمهوری اسلامی ایران با محتوای عمیقاً "ضد امپریالیستی و مردمی اش - وجود ندارد هر راه دیگر انقلاب ما را ناتوان خواهد ساخت و زمینه را برای کامیابی توطئه های ضد انقلاب آماده خواهد کرد.

سیاست خارجی ایران در جهت تحکیم انقلاب ایران نیست

به یاد بیاوریم که در مرداد ماه سال گذشته یعنی مدت ها پیش از رویداد اشغال جاسوسخانه و رویداد افغانستان، برژینسکی که در ماه های پیش از پیروزی انقلاب دستور تدارک کودتای نظامی را به سولیوون و ژنرال هویز داده بود، از طرف کارتر به وزارت خارجه آمریکا و به وسیله وزارت خارجه به کارکنان جاسوسخانه و امیرانتظام ها و نزیه ها و نظایر آن ها دستور می دهد که:

"رئیس جمهور همچنین خاطرنشان ساخته است که لازم است جو سو-ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً توسط اتحاد جماهیر شوروی حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد."

توجه کنید به کلمه "حتماً" - امپریالیسم آمریکا اطمینان دارد که اگر "کارگزاران" و "دوستان" و "ارادتمندان" بتوانند مناسبات ایران و شوروی را که به طور همجانبه از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می کند تیره سازند و شرایطی را بوجود آورند که اتحاد شوروی دیگر این پشتیبانی را ننماید این امر "حتماً" به تضعیف مواضع سیاست خارجی "رژیم خمینی" یعنی انقلاب ایران خواهد انجامید.

حال بیاییم و منصفانه سیاست عمل شده به وسیله یزدی ها، چمران ها، قطب زاده ها را در ارتباط با این "رهنمود" ارزیابی کنیم. بیاییم و عمل کسانی را که با هزار خروار چسب و بهره گیری از سم پاشی جرمه های کثیفی مانند رکنی مزدور و خود فروخته می کوشند مناسبات ایران و اتحاد شوروی را برای "پایان دادن به پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب ایران" تیره سازند، مورد قضاوت قرار دهیم. این ها همانهایی هستند که با گاهانه مانند یزدی ها و چمران ها، قطب زاده ها برای هموار کردن راه سازش و تسلیم به آمریکا کام برمی دارند و یا تا گاهانه از مواضع کور ضد کمونیستی عمل می کنند که در هر حال نتیجه یکی است. این ها و همکارانشان در تمام دوران پس از پیروزی برای جلوگیری از نزدیکی انقلاب ایران با پشتیبانان و دوستانش کوشش به عمل آورده اند، در راه گسترش مناسبات ایران با کشورهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی جبهه پایداری عرب یعنی الجزایر، سوریه، لیبی و جمهوری دموکراتیک یمن جنوبی و حتی جنبش آزادیبخش فلسطین سنگ انداخته اند، و در عوض صمیمانه ترین مناسبات را با حکومت های مطلقاً وابسته به آمریکا مانند پاکستان و گروه های افغانی وابسته به آمریکا برقرار کرده اند.

زیر سایه چنین سیاستی است که پاکستان به مرکز شماره یک فعالیت توطئه گرانه "سیا" علیه انقلاب ایران درآمده است و سفارت پاکستان در ایران، به عنوان کارگزار مستقیم سیای آمریکا، مرکز جمع آوری اطلاعات برای "سیا" و برقراری ارتباط میان مرکز لاهور و عناصر و گروه های وابسته به آن در ایران گردیده است.

هموار نمودن راه سازش با امپریالیسم آمریکا و دشمنی آشکار با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی و سنگ اندازی در راه گسترش مناسبات با کشورهای جنبش های ضد امپریالیستی، سمتگیری عمده سیاست خارجی "لیبرال ها" را که وزارت خارجه ایران را از پیروزی انقلاب تا کنون قیضه کرده اند و هنوز هم در دست دارند، تشکیل می دهد.

خوشبختانه جنبش کمونیستی جهانی و کشورهای سوسیالیستی که تجربه بیش از شصت سال مبارزه با نرفندهای امپریالیسم را پشت سر دارند در این دام های ناشیانه نمی افتند. هر قدر قطب زاده ها علیه کشورهای سوسیالیستی تحریک کنند، هر اندازه یزدی ها زور و تلاش به کار برند که برای کودتای آمریکایی در ترکیه که هدف عمده اش تدارک حمله نظامی آمریکا علیه انقلاب ایران و تحکیم مواضع آن علیه اتحاد شوروی است و به همین مناسبت "ضیاء الحق" اولین تبریک کوبنده به آن است، بطور خنده آوری موافقت شوروی را "جاسازی" نمایند، هر قدر رکنی های خود فروخته کوشش کنند با "احتمالات" خود فروخته های دیگری مانند خودش ابهاماتی در همان جهت بوجود آورند، ما اطمینان داریم که در مناسبات دوستانه و پشتیبانی همه جانبه و بی دریغ و بی هیچگونه چشمداشت کشورهای سوسیالیستی نسبت به انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران تا روزی که این انقلاب در مواضع ضد امپریالیستی و مردمی کنونی اش، یعنی در خط امام خمینی کام برمی دارد، تغییری پیدا نخواهد شد و روسیاهی برای همه پیاده کنندگان خط برژینسکی، برای همه "مخترعین" سازش دوا بر قدرت "باقی خواهد ماند. بگذارد تاریخ قضاوت کند که آیا ارزیابی ما درست است و یا احکام صادره از طرف "مظرفقائاتی" های کنونی.

تأسف عمیق، در این است که بر اثر سی سال تبلیغات شوم رژیم آریامهری وابسته به امپریالیسم و ادامه وابستگی تمام سیستم خبری جمهوری اسلامی به رسانه های گروهی غرب یعنی وابستگی به همان منابع دوران آریامهری و بی اطلاعی مطلق از واقعیات جهان معاصر و تحولات بنیادی که در ده سال اخیر و بویژه در دوران پس از جنگ جهانی دوم رخ داده است، بسیاری از عناصر انقلابی شرافتمند و صادق در این دام گسترده شده به وسیله امپریالیسم می افتند و قدرت بیرون آمدن از آن را ندارند.

آیا رویدادهای چندبانه گذشته، دو کودتای نافرجام آمریکایی در اردیبهشت ماه و تیرماه، اعترافات مزدوران کودتاچی، حوادث غرب کشور، کودتای آمریکایی در ترکیه، روشن شدن پایه مناسبات اقتصادی خا...

مواظب فتودالها باشیم. خطرناکند

"اخیرا مشاهده گردیده که بعضی افراد اقدام به اخراج زارع یا بزرگ خود از روی زمین نمودند. لذا باید به پیاده شدن قانون واگذاری و احیای اراضی کسی حقی دست زدن به چنین عمل خلاف قانون را نخواهد داشت. این سه نمونه، از سه استان حساس کشور است، که ضد انقلاب بشت در صدد زمینه سازی فعالیت های خود در آنجا است. نمونه ها بسیار زیادند و کدام استان ایران است که در این لحظات سرنوشت ساز، حساس نباشد؟ و کدام منطقه است که در آن بزرگ مالکان غارتگر و عمال مزدور و مقصد نما یازورگ و چماق بدست آن، فعال نباشند؟

در این روبروئی سرنوشت ساز بین میلیون ها دهقان و پستی ملک دارو خان، بین خط امام، که دفاع از مستضعفین است و خط مستکبرین ضد انقلابی، وظیفه ای بسیار سنگین و حیاتی متوجه دولت جدید و مجلس شورای اسلامی، متوجه قوای سه گانه کشور و نهادهای انقلابی است. با همه قوا و هر چه زودتر و قاطع تر باید سر خصم غارتگر و مستکبر، این مار هفت رنگ را، که زهری امیرالیستی دارد و دمی ضد انقلابی، در هم بزوبید. با همه قوا هر چه سریعتر و کامل تر باید بساط بزرگ مالکی و قدرت این قلدرها را، که کانون تشنج ضد انقلابی و ستم و فساد می آفرینند، برچید. با همه قوا، فوراً و از ریشه، با دستجات چماقدار اربابان و خوانین، که خونهای میریزند و وحشت های آفرینند، با گرو و روحانی نمایان، که سر پای وجود و تفکرشان طاغوت زده ارباب زده است و خرقة آلوده شان مسوجب آتش، باید مقابله کرد.

با این پلنگ تیز دندان از طریق مروت و رحم، نصیحت و پند نمیتوان روبرو شد. یا او میلیون ها دهقان و انقلاب مارا زهم خواهد درید، یا ما این نطفه فساد و استعمار و جراثیم و ظلم را نابود خواهیم کرد. راه دیگری وجود ندارد. هر قدر درگیر کنیم - و هم اکنون از نحوس "ایزدی" ها ۱۹ ماهه پر شده است - سبانه انقلاب، به میلیون ها مستضعف، به موجودیت جمهوری اسلامی ایران، به سازندگی آینده آن زبان رسانده ایم. دهقانان چشم براهند. کشت پائیزی فرا - میرسد. وقت تنگ است. مسئله فوری، حیاتی و عمده است. دشمنان انقلاب و بهر هکشان مستکبر سخت فعال اند، سخت خطرناکند.

سکندران حکومت از ما مداران جمهوری اسلامی! مسئولان امور مرقنه و اجرائیه! متوجه اهمیت موضوع حساسیت مسئله باشید. مسئولیت شما در این امر - حیاتی مسئولیتی بزرگ است. مستضعف ترین مستضعفین کشور ما، یعنی میلیون ها دهقان چهار گوشه ایران - منتظر اقدام هر چه زودتر و قاطعانه هیئت های ۷ نفری هستند. هر گونه مانعی، بهر نام و بهانه و شکلی، از سر راه کار این هیئت ها باید برداشته شود. تا بهیست و با مشارکت خود دهقانان و با کمک فعال نهادهای انقلابی و عناصر متحد سپاه و جهاد ریشه بزرگ مالکی، تمام و کمال، کنده شود و کلیه زمینها به دهقانان، به کسانی که کار میکنند واگذار شود. تا انقلاب ما مستحکم و شکوفان، اقتصاد کشاورزی ما پر رونق و سالم و زندگی دهقانان مابهرتر و انسانی گردد.

زمان آن است که این مسئله بسیار اساسی انقلاب حل شود، ولی ملک دارها و خانها با اخراج بزرگان، با انتقال اسناد زمین، با فروشی قطعات آن، با تشنج زدن محصول و تخریب وسایل کار، جوی زار دره به وجود می آورند، تا هر گونه امیدی را در دل روستائیان زحمتکش ماکور کنند و آنها را نسبت بسنه انقلاب و تصمیمات و برنامه های جمهوری اسلامی ایران بدبین و مایوس سازند. همین چندی پیش در کرمانشاه هیئت ۷ نفری واگذاری، بمناسبت محاکمه چهارتن از فتودالهای بزرگ منطقه سنجابی، اطلاعاتی صادر نمود و در آن اعلام کرد که:

"بعضی از بزرگ مالکان میخواهند به اسم اسلام در مقابل اسلام بایستند و شایعه پراکنی میکنند تا مانع کار تقسیم زمین بین دهقانان شوند.

گروهی مستکبر ظالم و فاسد، یعنی ملک دارها و خانها ایستاده اند. با تفنگ، با مشعل آتش و با چماق ایستاده اند. با قلم بدست و با فکلی و طاغوت زده خود، در برخی ادارات و مطبوعات و با عامه بزرگان تاریخ اندیش خود، که از اسلام واقعی بویی نبرده اند و همیشه زور انسه، ریزه خوار خون زر و زور ارباب بوده و هستند، ایستاده اند. لشکری بسیج کرده اند و میدان بیکار آمده اند. همه وسایل، از جمله دم کشی و آتش فروزی و نفاق - افکنی و شایعه پراکنی و ناراضی تراشی و دو بهم اندازی و "فتوی" پخش کردن و سوء استفاده از نفوذ برخی و عاظم - السلاطین و مروجان اسلام آمریکایی و سوء استفاده از دشواریهای موجود و احساسات ملی و مذهبی را به خدمت گرفته اند تا حکومت و زمین همچنان از آن ملک دارها و خانها و سرمایه دارها بماند و کوخ نشینها و مستضعفین و کوچمبارها و یابرنهها همچنان در زنجیر باشند.

● هیئت های هفت نفری! دهقانان منتظر عمل قاطع شمایند
● دولتیان! در برابر تشبثات وسیع بزرگ مالکان مسئولیتی حیاتی متوجه شماست
● انقلابیون راستین! با تزویر روحانی نمایان طاغوت زده مقابله کنید!
● دهقانان! هشیارانه و فعال مبارزه کنید، با نهادهای انقلابی و هیئت هفت نفری همکاری کنید، تا بساط اربابی بر ای همیشه ریشه کن شود

در این اطلاعیه همچنین آمده است که، این مالکان بزرگ دست به تحریک مردم و ایلات زده و دهقانان زحمتکش و رنج دیده را تهدید کرده اند که اگر بنفع این خوانین (چهار فتودال چناینگار رنکر) شهادت ندهند، به مرگ محکوم خواهند شد. هیئت مزبور در اطلاعیه خود اعلام کرده است:

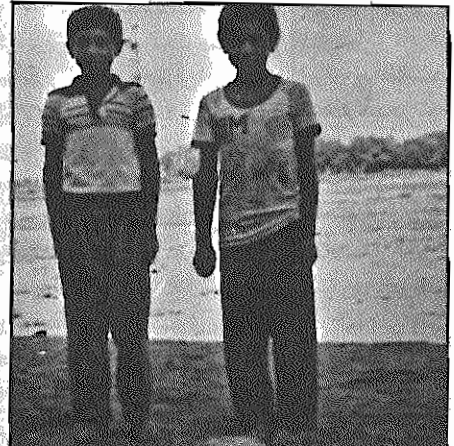
"ما به امر اسلام، زمین مال کسی است که روی آن کار میکند". توجه داریم و از هیچگونه تهدید و ارباب هراسی به دل را نداریم.

در این روزهای اخیر مقامات مسئول در استان کهگیلویه و بویراحمد، طی اطلاعیه ای، به فتودالها، که دست به شایعه پراکنی میزند، اخطار کرد و از کسانی که مسئول قانون هستند خواست که از نقل و انتقال زمینها خودداری کنند و از کشاورزان نیز خواسته شد که فریب شایعه سازی را نخورند.

مقامات مسئول در استان چهارمحال بختیاری، نیز طی اطلاعیه خود گفته اند:

مستضعفین و کوچمبارها و یابرنهها همچنان در زنجیر باشند. هم اکنون زمان آنست که هیئت های ۷ نفری کار را فیصله دهند. ولی عمال مالکان زیر علم اسلام آمریکایی، اصل قانون اصلاحات ارضی را نفی میکنند و شایعه میکنند که در آن تجدید نظر خواهد شد. و این در حالی است که حضرات آیات عظام منتظری و مشکینی رسماً اعلام کرده اند که قانون از نظر آنها گذشته و هیچ منع شرعی ندارد.

زمان آن است که در آستانه کشت پائیزی، هر دهقانی بطور قطع بداند که زمین مال اوست و با خیال راحت شروع بکار کند. اما هزار مشکل میترانند و نمی گذارند هیئت ها کار خود را آغاز کنند. و این در حالی است که فریاد دهقانان به آسمان بلند میشود، که اگر این وضع ادامه یابد، خطر زود خورد و خوریزی است، خطر گردستانهای دیگر "هست"، خطر آفرودختن کانون های ضد انقلاب هست.



پای پرهنه، پیاده، کودکان روستای حاجی قره (گرگان) ده کیلومتر را باید طی کنند تا به مدرسه برسند.

نظام شوری تدوین شده، بنمایند و امکانات و بودجه های مربوطه را در دست بگیرند. هم چنین بیست خانوار کم زمین وسی خانوار بی زمین باید نمایندگان خود را انتخاب کنند و با کمک جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی، این نمایندگان را به هیئت ۷ نفری بفرستند، تا مسئله واگذاری زمین را هر چه زودتر و به درستی حل کنند و بسر اجرای قانون اصلاحات ارضی نظارت کنند. برای آنکه شورا ای ده اختیارات و حقوق قانونی خود را به دست آورد و منشاء خدمت بشود، برای آنکه نمایندگان دهقانان تهیه دست در هیئت ۷ نفری عضویت پیدا کنند و بساط بزرگ مالکی برچیده شود، برای آنکه مسائل مربوط به عمران ده و احتیاجات قالی بافان رفع و واسطه ها طرد گردند، خلاصه برای آنکه صدای دهقانان یکی شود و گره از مشکلات بازگردد، باید اتحادیه دهقانی تشکیل شود، تا نیروی متحد دهقانان، با بهره گیری از کمک نهادهای انقلابی بتواند این مسائل را حل کند.

از کلیه رفق و دوستان گزارشگر روستاها درخواست می کنیم:
 ۱- هنگام ارسال گزارشهای مصور دهقانی، حتما نام روستا، بخش، شهرستان و نام استان در پشت مکتبها قید شود.
 ۲- ضمناً در هنگام ارسال مکتب، حتماً فیلمها را هم ضمیمه گزارش ارسال دارید.
 ۳- نام روستا و نام اشخاص را خوانا و با حروف جدا از هم (تلفظی) یادداشت کنید (آب و پنویسید).
 ۴- سخنان دهقانان را عیناً و همانطور که خود آنها میگویند، نقل کنید.

مسائل روستای حاج قره گرگان

تیرهای برق را کاشته اند، ولی هنوز به روستائیان برق ندادند.

در این روستا و روستاهای مجاور آن حمام وجود ندارد و اهالی برای استحمام باید به آق قلا (پهلوی دژ سابق)، که از روستا حدود ۳ کیلومتر فاصله دارد، بروند.

روستائیان از آب آشامیدنی بهداشتی نیز استفاده نمی کنند، بلکه منبع تامین آب آنها چاهی است که در دو کیلومتری روستا قرار دارد. این چاه حفاظی برای ممانعت از ورود میکروب و سایر عوامل خارجی ندارد. تاکنون نیز آبرسانی بهداشتی به این روستا صورت نگرفته است. در اثر عدم لایروبی رودخانه قره سو، که از کنار روستا می گذرد، کم کم بستر رودخانه و روستا هم سطح گردیده و به هنگام زمستان و طغیان، خانه های روستا را در بر می گیرد.

حاجی قره از جمله روستاهایی است که مالکین بزرگ در دوران طاغوت بیشتر اراضی آن را در بر خود داشتند. این مالکان که عموماً "یادگرگان و یا در تهران به سر می برند، آخراً سیل آمدند و دسترنج روستائیان زحمتکش را می بردند. حدود دو بیست هکتار از اراضی این روستا به مالکین بزرگ تعلق دارد و در عوض از پنجاه خانوار این روستا، حدود بیست خانوار، زمین شان هر کدام در حدود پنج هکتار است، که می توان آنها را از جمله دهقانان کم زمین دانست. بقیه (سی خانوار) نیز که، عموماً "جوانان روستا را تشکیل می دهند، بی زمینند.

قالی بافی منبع درآمد مهم روستائیان حاجی قره است. یکی از اهالی می گفت:

"اگر قالی بافی نبود، وضع ما از این هم خراب تر بود.

البته قالی بافی، با آنکه کاری مشقت بار است و چشم بافندگان قالی های زیبا در تاریکخانه ها کم کم نور خود را از دست می دهد، درآمد چندانی ندارد. فی المثل یک تخته قالی ۳×۲، که حدود پنج هزار تومان به فروش می رود، پانصد تومان هزینه مواد اولیه دارد و برای بافتن آن نیز ۳ کارگر باید در بیست شانه روز، روزانه شانزده ساعت کار کنند، تا قالی بافته شود، که با یک حساب سرانگشتی متوجه می شویم که این کارگران در قبال هر هشت ساعت کار، حدود ۳۷ تومان مزد می گیرند. بنابراین، چنانکه دیده می شود، این کارگران حتی مزد معمول یک کارگر را دریافت نمی دارند.

در حاجی قره، اخیراً "شورای تشکیل گردید، که ۵ نفر در آن عضویت دارند. این شورا هنوز اختیارات قانونی ندارد.

به نظر ما، اعضای شورا باید هر چه زودتر مقامات بخش و شهرستان تماس بگیرند و شورا را منتخب اهالی را صاحب اختیارات قانونی، که در

در ۱۸ کیلومتری جاده گرگان - آق قلا (پهلوی دژ سابق) جاده ای به طول ۳ کیلومتر، که حدود یک سال پیش شن ریزی گردید، به روستای حاج قره می رود. در این روستا ترکمن نشین، ۵۰ (پنجاه) خانوار جمعیت، که رو به کم می شوند، زندگی می کنند. از محصولات عمده این روستا گندم و پنبه است و ضمناً "قالی بافی نیز از صنایع دستی اهالی این روستاست. کوچه و خیابان های روستا خاک آلود است و هنوز شن ریزی نشده اند.

در دوران طاغوت در این روستا، مدرسه ای که روستا زادگان در آن تحصیل کنند، وجود نداشت و به ناچار آنها یا بیسواد می ماندند (کما اینکه درصد زیادی از روستائیان بی سوادند) و یا به روستای مجاور، گاتهم یک دبستان پنج کلاسه بیشتر ندارد، می رفتند. اخیراً "به همت جهاد سازندگی و خود - یاری اهالی (حدود چهل هزار تومان مخارج تأسیس مدرسه روستائیان برداختند) مدرسه پنج کلاسه ای در روستا تأسیس گردید.

نهنجا در حاج قره، بلکه در روستاهای مجاور نیز یک واحد سیار بهداشتی برای مداوای بیماران وجود ندارد. نزدیک ترین بیمارستان برای آنها گرگان است. یکی از اهالی می گفت:

"خوب است حداقل در بین این چند روستا یک واحد سیار بهداشتی متمرکز گردد.

با آن که این روستا نسبت به روستاهای مجاور به شهر نزدیک تر است، هنوز برق ندارد، اخیراً



روستائیان حاجی قره از این تنور برای پخت نان استفاده می کنند

دهقانان عزیز!

دست چنایتکار و تجاوزگر آمریکا! این بار از آستین صدام حسین، رئیس دولت بعثی عراق درآمده است. تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق علیه میهن ما، علیه انقلاب بزرگ ما، چیزی نیست جز بخشی از توطئه های شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا.

بگفته امام خمینی، رهبر انقلاب:
"ایران در حال جنگ است با آمریکا و این آلت دست آمریکا تجاوز کرده است به ایران."
 وظیفه همه ما است که از انقلاب، از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم.

باید متحد و آماده باشیم تا آمریکا و رژیم بعثی عراق هیچ غلطی نتوانند بکنند.

دهقانان زحمتکش!
 برای مبارزه علیه تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق و برای مقابله با توطئه آمریکای خونخوار، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران به نهادهای انقلابی اعلام کنید!

خونسردی و منانته انقلابی خود را حفظ کنید! به شایعات دشمن پاور نکنید! با شورا انقلابی همیشه آماده باشید!

با پاسداران محل تماس بگیرید و هر فرمانی که بپای پاسداران برای دفاع از انقلاب و میهن انقلابی می دهد، اجرا کنید!

شما بخش اعظم ارتش بیست میلیونی را تشکیل می دهید. در هنجار، در "بسیج مستضعفین" شرکت کنید و فعالانه دستورها و راهنمایی های بسیج را عملی سازید!

عوامل ضد انقلاب و تفرقه افکن را در هر جا که هستند، شناسائی کنید و به نهادهای انقلابی اطلاع دهید!

از خرمن هائی که هنوز جمع آوری نشده، یا هنوز در انبارهای ده مانده، مراقبت کنید! از دامها مواظبت کنید! برای چشمه ها و منابع آب و چاهها مأمور بگذارید، تا ضد انقلاب به خرمنها و منابع آب آشامیدنی شما خساراتی وارد نکند.

مواظب تحریکات و توطئه های اربابان و خوانین باشید. نقشه های آنها را فاش کنید!

دهقانان ایران! در این لحظات حساس، همه جانیه و با اتحاد و هشیاری از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنید!

بازار مشترک اروپا: افزایش مخارج نظامی، کاهش مخارج رفاهی

زمانداران بازار مشترک اروپا، در همان حال که مخارج نظامی را افزایش می‌دهند، مصارف اجتماعی را روز بروز کاهش می‌دهند. وزیران دارای کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، در اجلاس اخیر خود در بروکسل، برنامه‌های کاهش مخارج رفاهی را در سال ۱۹۸۱ تصویب کردند. در این مورد، بویژه بودجه مبارزه با بیکاری کاهش خواهد یافت. هم‌اکنون حدود شش میلیون و هشتصد هزار نفر در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، بیکار هستند. اقدام اخیر بازار مشترک در کاهش مخارج رفاهی، موجب ازدیاد ارتش بیکاران خواهد شد.

آلمان فدرال مظهر

«سرکوب حقوق بشر، است»

روزنامه‌های ترقیخواه در آلمان فدرال، تبلیغات بی‌شمارانه رسانه‌های گروهی وابسته به انحصارات این کشور را علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه لهستان افشاء کردند. آنها همچنین تبلیغات پوچ این رسانه‌های امپریالیستی را که گویا آلمان فدرال مظهر حقوق بشر (!) است، رسوا کردند. این روزنامه‌ها تأکید می‌کنند که آلمان فدرال مظهر سرکوب حقوق بشر است.

هم‌اکنون حدود هشتصد هزار نفر از کارگران آلمان فدرال بیکار هستند و بدین ترتیب از حق کار، که ابتدایی‌ترین حقوق است، محروم‌اند. به‌نوشته این روزنامه‌ها، چهار هزار نفر برخلاف نص صریح قانون اساسی و بر طبق قانون «منع شغل»، بخاطر عقاید خود از کار باز نگه‌داشته‌اند و دو میلیون نفر نیز مورد آزمایش «قابلیت سیاسی» قرار گرفته‌اند.

اعتصاب و اعتراض روزنامه‌نگاران پر تغال به جوسانسور حاکم بر رسانه‌های گروهی این کشور

روزنامه‌نگاران پر تغال يك اعتصاب دوازده روزه را بعنوان اعتراض به سانسوری که دولت دست‌راستی این کشور، برخلاف موازین قانون اساسی، بر رادیو تلویزیون برقرار کرده، اعلام کردند.

روزنامه‌نگاران پر تغال اعتقاد دارند که دولت دست‌راستی این کشور برای پیروزی در انتخابات دست به سانسور شدید در رادیو-تلویزیون زده و آزادی‌های اساسی را در این مورد زیر پا گذاشته‌است. این روزنامه‌نگاران همچنین خواستار برکناری آن عده از مقام‌های رسانه‌های گروهی شدند که گروهی از خبرنگاران را بخاطر عقاید آنها اخراج کرده‌اند.

کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به کشورهای انقلابی در زمینه تربیت کادرهای متخصص

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به کشورهای انقلابی و جوان، برای تربیت کادرهای متخصص یاری می‌رسانند. يك گروه بزرگ از جوانان نیکاراگوئه برای آموزش در رشته‌های مختلف عازم شوروی شده‌اند. این عده در آموزشگاه‌های مختلف شوروی تحصیل خواهند کرد. در ماه مارس گذشته، در جریان دیدار يك هیئت از دولت انقلابی نیکاراگوئه از اتحاد شوروی، موافقت‌نامه همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی دو کشور امضاء شد. اخیراً نیز يك هیئت آموزشی شوروی مدت دو هفته از نیکاراگوئه دیدن کرد و نیازمندی‌های این کشور را مورد بررسی قرار داد. این هیئت امکانات کمک اتحاد شوروی به تربیت کادرهای متخصص را با مقام‌های نیکاراگوئه مطرح کرد.

حمله مجدد نیروهای متجاوز اسرائیل به جنوب لبنان

نیروهای متجاوز اسرائیل و دست‌نشانده‌گان دست‌راستی در جنوب لبنان برای دومین بار یاری شهر حور در جنوب لبنان و بویژه اردوگاه‌های فلسطینی‌ها را زیر آتش قرار دادند. بنا بر گزارش مطبوعات بیروت، در این حملات تاکنون صدو بیست خانه ویران شده و نیروگاه‌های برق شهر از کار افتاده است. همچنین کمبود آب آشامیدنی در شهر چشم‌می‌خورد.

اعلامیه کانون دانش آموزان ایران: در مقابل تجاوزات رژیم بعثی عراق و توطئه‌های امریکایی‌ها خیزید!

هم‌اکنون ضدانقلاب قصد دارد با دروغ و شایعه‌پراکنی و احتکار مایحتاج مردم و ایجاد صدف‌های طویل در جلوی میزها، روحیه مردم‌پرستان و انقلابی ما را تضعیف نماید. لذا شما موظفید تا با حضور خود در میان مردم، بخصوص اهالی محل و همچنین خانواده و آشنایان خود، با اینگونه شایعات قاطعانه مبارزه و عناصر ضد انقلاب را-افشاء کنید. بکوشید در همه جا سربازان راستین انقلاب باشیم! مرگ بر امپریالیسم، بر سر کردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده بعثی عراق!

پیرزاد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی! مستحکم‌تر باد پیوند جنبش دانش‌آموزی با جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران به رهبری امام خمینی! کانون دانش‌آموزان ایران ۱۳۵۹، ۲۷، ۲۸

فروغ‌ساز صدجندان مسی‌کند، بکوشید تا نقشه ضدانقلاب را، که قصد دارد در چنین شرایط حساسی در میان شما تفرقه و جدایی‌اندازد و با دامن‌زدن به اختلافات فرعی و غیره، شما را از وظیفه سترگ کوهی دور سازد، با تمام قوا خنثی کنید. کلاس‌های درس را همچون گذشته چون سنگر نبرد علیه دشمنان انقلاب باز نگاه دارید. و به پیام مهم امام خمینی در روز اول مهر توجه داشته باشید که: «در چنین وقتی که ایران در حال جنگ است با آمریکا و این آلت دست آمریکا به ایران تجاوز کرده است، شما اگر چنانچه برای باز شدن

دانش‌آموزان و نوجوانان مبارز! مردم قهرمان ایران! هم‌اکنون رژیم ضد مردمی بعثی عراق با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و متحدینش، مبین انقلابی ما را مورد حملات گسترده و تجاوزات و حسیانه نظامی قرار داده است! در چنین شرایط حساس و سوزناک نوبت‌سازی است که وظیفه پس‌سنگین و پر مسئولیتی چون دفاع و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن بر دوش یکایک هموطنان بخصوص جوانان و نوجوانان انقلابی و رزمندگان ما قرار می‌گیرد. دانش‌آموزان عزیز! فرزندان راستین انقلاب! با صفوف متحد و یکپارچه، همچون تنی واحد و رزمنده، برای نبرد با تجاوزات رژیم بعثی عراق و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدینش آماده شوید! اتحاد و همبستگی، توان و نیروی شما در این نبرد دشوار و سز



فشار آمریکا و چین برای حفظ کرسی پول پوت خون آشام در سازمان ملل متحد

کمیته اعتبارنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل تحت فشار شدید امپریالیسم آمریکا و دارو دسته مائوئیست‌های پکن توصیه کرد که باصلاح دولت کامپوچیا دمکراتیک (!) و یا به عبارت دیگر، باند خون آشام پول پوت - ینگ‌ساری، که دستشان به خون سه میلیون نفر از مردم کامپوچیا آغشته است، کرسی خود را در سازمان ملل متحد حفظ کند.

محافل ترقیخواه در آسیای جنوب شرقی اعلام کرده‌اند که این تصمیم از یک سو نشان‌دهنده بده و بستان، آمریکا و چین است و از دیگر سو نشانگر آن است که چگونه سیاست باصلاح حقوق بشر کاری و دیگر نوکران انحصارات چندملیتی تا چه حد متشنج و بی‌آبرو شده است.

بگفته این محافل، امپریالیسم آمریکا، با حمایت از دارو دسته پول پوت-ینگ‌ساری به سیاست‌های عظمت‌طلبانه چین در آسیای جنوب شرقی صحنه می‌گذارد. از سوی دیگر، ادوونده تاسکی، وزیر خارجه آمریکا، هفته گذشته اعلام کرد:

«آمریکا و چین از دولت کامپوچیا دمکراتیک (!) (یعنی جلادان سه میلیون انسان بیگناه از سازمان ملل حمایت می‌کنند. این سخنان بار دیگر جنجال و هیاهوی پوچی را که کارتر و شرکاء در باره حقوق بشر، برآوردند، افشاء می‌کنند. زیرا جنایات دارو دسته پول پوت - ینگ‌ساری آنچنان تکان‌دهنده بود که حتی شخص کارتر در سال ۱۹۷۷ چندین بار به این مسئله اشاره کرده بود.

شورای انقلابی خلق کامپوچیا تنها نماینده قانونی کامپوچیاست

شورای انقلابی خلق کامپوچیا هر چه بیشتر از سوی کشورهای جهان و جنبش‌های آزادیبخش برسمیت شناخته می‌شود. در پی دیدار يك هیئت نمایندگی جنبه خلق برای آزادی فلسطین از کامپوچیا، این جنبه اعلامیه‌ای منتشر کرد. در این اعلامیه، جنبه خلق برای آزادی فلسطین اعلام کرد که شورای انقلابی خلق کامپوچیا، برهبری هنگ‌سامرین، تنها نماینده قانونی خلق کامپوچیا است و هر گونه تلاش بشماره برای حفظ کرسی دارو دسته جنایتکار پول پوت-ینگ‌ساری در سازمان ملل متحد محکوم است.

حزب کمونیست کانادا سیاست‌های دنباله‌روانه دولت کانادا را از امپریالیسم امریکامحکوم کرد

کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا در بیانیه‌ای سیاست محافل حاکمه این کشور را در مورد دنباله‌روی از سیاست امپریالیسم آمریکا بر سر مسئله کامپوچیا محکوم کرد و خواستار برسمیت‌شناخته شدن شورای انقلابی خلق کامپوچیا به رهبری هنگ‌سامرین و حمایت این شورا در سازمان ملل متحد شد.

این بیانیه همچنین می‌افزاید: «سیاست کانادا گونه‌بیتانه و خطرناک است. کانادا باید از دنباله‌روی از سیاست‌های امپریالیسم آمریکا خودداری کند.»

در جلسه علنی پنجشنبه گذشته مجلس شورای اسلامی گفته شد:

دولت امریکانی تواند نقشه‌های شوم خود را عملی کند

● دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، این طلایه‌داران حرکت بزرگ ضد استعماری ما، لانه جاسوسی امریکا را فتح کردند و طشت رسوائی امریکا سقوط کرد

هر دستی، چه همسایه، چه غیر همسایه، بعنوان دوستی بطرف ما بیاید ما آن دست را می‌فشاریم

در جلسه علنی روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، ضمن دادن گزارشی در مورد حملات عراق به ایران، اعلام کرد که جنایتکاران بعث عراق حملات خود را روی مناطق غیر نظامی ایران متمرکز کرده‌اند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین افزود:

«آنها دیر روز در آبادان به مدارس حمله کردند و رئیس مدرسه را شنبید کردند، با جمعی از دانش‌آموزان، اگر سر راه خود کارخانه‌های بیینند، مونسه اقتصادی و هرجا که احتمال تجمع بدهند، بیینند، آنها را بیماران می‌کنند. آنها به یادگانهای نظامی از ترس نزدیک نمی‌شوند. دنیا بداند که رژیم عراق هیچیک از موازین بین‌المللی جنگ را رعایت نمی‌کند. علاوه بر اینکه اصل اقدامشان تجاوز بی‌دلیل است و با پیروئی ما را مسئول جنگ معرفی می‌کنند.»

رئیس مجلس آنگاه ضمن اشاره به شهادت وانضباط نیروهای ارتشی، اظهار داشت:

«نظام‌های ما مقیدند که تا ممکن است به يك فرد عراقی بیگناه آسیبی وارد نشود.»

رئیس مجلس آنگاه به هجوم مردم به سازمانهای بسیج و اعلام آمادگی آنها برای جنگ با عراق اشاره کرد و این هجوم را بی‌سابقه خواند. پس از سخنان رئیس مجلس، سخنان پیش از دستور نمایندگان شروع شد و در آغاز حسین هراتی، نماینده سبزوار، ضمن حمله شدید به صدام حسین، او را عروسک امریکایی خواند. نماینده سبزوار افزود: «ایران نمایشگاه تمامی حيله‌گری‌ها و دسیسه‌های امریکانست. کدامین خيله و نیرنگ را در این سرزمین پیاده نکرد؟ چه موقع امریکا پوزه‌اش به خاک مالیده شد و امت ما سرفراز و قهرمان بیرون آمد؟ چه موقع دماغ امریکا تا مغز استخوان سوخت؟ از آن لحظه‌ای که دانش‌جویان پیرو خط امام، این طلایه‌داران حرکت بزرگ ضد استعماری ما، لانه جاسوسی امریکا را فتح کردند و طشت رسوائی امریکا سقوط کرد، من پیشنهاد می‌کنم در این موقع که امریکا با ما در نبرد است، ما پاسخ گویند و دندان‌شکنی به آنها بدهیم و از این دانشجویان پیرو خط امام تجلیل کنیم و بعنوان دلورانی که جان بر کف، دومین انقلاب و بلکه به گفته امام، انقلاب بزرگتر از انقلاب اول را پدید آوردند، مجلس شورای اسلامی به آنها لقب قهرمانی اعطا کند و بزرگنامه سیاس‌ملت به آنها تقدیم کرده، تا امریکایی‌ها از کسانی که این حماسه را آفریدند، مجلس بطور کوبنده و قاطع حمایت می‌کند.»

سین آقای طیبی نماینده اسفراین، پشت تریبون قرار گرفت. او در قسمتی از سخنان خود گفت:

«من از پشت این تریبون به دنیا اعلام می‌کنم که ما را اینقدر متهم نسازند. ما با هیچیک از مردم دنیا سر جنگ نداریم و نداشته‌ایم. هر دستی، چه همسایه و چه غیر همسایه، بعنوان دوستی به طرف ما بیاید، ما آن دست را می‌فشاریم. و اگر این دست خیانت باشد، مسلماً آنها اسلام تعیین کرده و ما مطابق با همان دستور عمل می‌کنیم. باید به دولت امریکا گفت که سخت در اشتباه بوده و هست و هرگز نمی‌تواند نقشه‌های شوم خود را عملی کند. ما سی و پنج میلیون جمعیت داریم و يك رهبر قاطع، عالم و متکی به خدا، که همه مردم ما دنباله‌روی او هستند.»

پس از سخنرانی نماینده اسفراین، یکی دیگر از سخنرانان پیش از دستور، در مورد جنگ ایران و عراق صحبت کرد. آنگاه طبق دستور کار مجلس، بررسی دوتن از وزرای پیشنهادی دولت مورد رسیدگی قرار گرفت. در این مورد، آقای رجایی نخست‌وزیر، به معرفی آقای مهندس موسی خیر زویر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه و آقای مهندس جواد تندگویان، وزیر نفت پرداخت.

پس از معرفی دو وزیر توسط آقای رجایی، چندتن از موافقان و مخالفان آنها سخن گفتند.

آنگاه مجلس تصویب دو وزیر را به‌رای گذاشت. در این رای‌گیری، که با حضور ۱۸۲ نفر از نمایندگان مجلس صورت گرفت، آقای مهندس تندگویان از مجموع ۱۷۲ رای داده شده، با ۱۵۶ رای موافق، ۱۸ رای متنع و ۲ رای مخالف و آقای مهندس خیر از مجموع ۱۷۶ رای، با ۱۶۲ رای موافق، ۱۲ رای متنع و ۲ رای مخالف، رای اعتماد گرفتند. در این جلسه چند تن از نمایندگان از آقای رجایی نخست‌وزیر خواستند که در مورد اوضاع جنگ ایران و عراق توضیحاتی بدهد، که در جواب، آنها آقای رجایی گفت: باشرافتی که وجود دارد، بهتر است که گزارش جنگ ایران و عراق در يك جلسه غیر علنی و پس از بازگشت آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور صورت گیرد.

پس از آن، طرح دوفوریتی در مورد کس مالیات حقوقی نیروهای مسلح کشور مورد رسیدگی قرار گرفت، که پس از بحث پیرامون آن، به علت عدم پیش‌بینی محل تأمین این بودجه در طرح، رسیدگی آن به جلسات آینده موکول شد. جلسه پنجشنبه مجلس در ساعت ۱۱:۴۵ دقیقه خاتمه یافت.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

مردم ایران اقدام خصمانه...

ایران به شدیدترین وجه پاسخ داده شود. باید دانست که امیر یالیسم انگلیس، بهنگام تعیین حدود مرزهای آبی بین ایران و عراق در سال ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) با استفاده از تسلطی که بر رژیم های دست - نشاند رخصان در ایران و فیصل در عراق داشت، قرارداد یکجانبه ای را به ایران تحمیل کرد. باینکه عرف و مقررات و معاهدات بین المللی بصراحت مقرر می داشت که رودخانه های مرزی، باید بطور متساوی مورد بهره برداری قرار گیرد و نقطه تعیین مرزهای عمیق ترین نقاط وسط رودخانه مرزی باید باشد و امر اداره رودخانه را نظریه بطور مشترک و متساوی الحقوق باید عهده دار شوند، ولی هیچیک از این مقررات در معاهده بین ایران و عراق مورد توجه قرار نگرفت. سیاست امیر یالیسم انگلیس بر اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» مستقر بود. از همین جا با دادن امتیازات غیر مجاز به جانب عراق، امیر یالیسم انگلیس عملاً زمینه درگیری و اختلاف دو کشور همسایه را پایه گذاری کرد. طی ۳۸ سال تمام، قرارداد تحمیلی انگلیسها به ایران و عراق موجبات کشمکش بین این دو کشور را فراهم می ساخت و روابط دو همسایه هم کیش راتا حدی خوردهای نظامی حاد می کرد. افکار عمومی مردم ایران و مردم عراق وهمچنین محافل بین المللی علاقمند به حفظ صلح و همزیستی بین دول همیشه خواستار حل صحیح و متساوی الحقوق روابط دو کشور بودند. بالاخره هنگامیکه روابط عراق و ایران بر سر استفاده از آبهای مرزی حدت و شدت خاصی پیدا کرده بود، با میانجیگری دولت الجزایر، قرارداد ۱۹۷۵ تهیه و تنظیم گردید، که مورد موافقت دولتی وقت ایران و عراق قرار گرفت. این قرارداد از سال ۱۹۷۵ به اجرا گذاشته شده و می توان گفت که در عمل نیز صحت خود را، در اینکه آبهای مرزی باید پارعبت کامل متساوی الحقوق طرفین مورد استفاده قرار گیرد، ثابت کرده است.

اکنون قرارداد ۱۹۷۵ سال پنجمی است که به اجرا درمی آید، و در این مدت، دولت عراق نیز با موافقت اولیه و عدم اعتراض در سالهای بعدی، قانونی بودن

قرارداد را تأیید کرده و آن را برسمیت شناخته است. بعلاوه، می توان گفت که قرارداد ۱۹۷۵ عملاً ارزش و اعتبار معاهده و قرارداد بین المللی را پیدا کرده و رعایت آن از نظر حفظ صلح بین دو کشور و در منطقه و جهان نیز ضروری است. سازمان ملل متحد بر همین مبنا بر قرارداد صحت گذاشته، که به هیچیک از طرفین اجازه نمی دهد که قرارداد مزبور را بطور یکجانبه لغو و یا اصول آن را زیر پا بگذارند.

با این توضیحات کاملاً روشن می شود که اقدام رژیم بعثی عراق به لغو یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵ از پایه اقدامی خصمانه، تجاوزی و غیرقانونی است.

این اقدام آشکارا خصمانه است، زیرا درست بقصد تحریک و دامن زدن به درگیریهای غرب ایران، به منظور حمایت از عوامل ضدانقلاب که در عراق لانه کرده اند، اتخاذ شده است.

اقدام رژیم بعثی عراق در لغو یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵ عملی است که تنها در حالی اتخاذ می شود که یک کشور قصد تجاوز علیه به خاک و استقلال و تمامیت ارضی کشور دیگر داشته باشد. تجاوزات هوایی، دریایی و زمینی، که بلافاصله پس از اعلام یکجانبه لغو قرارداد از جانب رژیم بعثی عراق انجام گرفته و هم اکنون ادامه دارد، دلیل روشن آنست که رژیم بعثی عراق بقصد تجاوز آشکار به خاک ایران به لغو قرارداد ۱۹۷۵ مبادرت جسته است.

لغو یکجانبه قرارداد مرزی دو کشور از جانب رژیم بعثی عراق تخطی آشکار از رعایت موازین و حقوق بین المللی است، زیرا قرارداد ۱۹۷۵، چنانکه گفته شد، اعتبار بین المللی دارد و در سازمان ملل متحد، بعنوان وثیقه ای که روابط دو کشور همسایه بر آن مبتنی است، تأیید جهانی پیدا کرده است.

علیرغم آنچه گفته شد، رژیم بعثی عراق به اقدام تجاوزی لغو قرارداد مرزی و در پی آن به جنگ راهزانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران مبادرت ورزیده است.

پاسخی که از جانب نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در هوا، زمین و دریا به تجاوزات پشیمانانه رژیم بعثی عراق داده می شود، مورد تأیید و پشتیبانی همه مردم ایران، از جمله حزب توده ایران است. حزب توده ایران ضمن اینکه دفاع فعال از هروجیب از خاک ایران و پاسداری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با ذوق و متانت و متجاوزان تأیید می کند و خود فعالانه در این دفاع شرکت دارد، توجه افکار عمومی جهان را به نقض مقررات و مقررات بین المللی از جانب دولت تجاوزگر بعثی عراق جلب می کند.

اقدام رژیم بعثی عراق در نقض یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵، عملی خلاف قراردادهای جاری بین دو کشور همسایه و نقض مقررات بین المللی است. این اقدام تحریک آشکار بزیان صلح در منطقه و جهان است. از این رو مسئولیت کلیه عواقبی که بر اقدام خصمانه رژیم بعثی عراق و تجاوزات نظامی آن به خاک ایران مترتب است، به عهده رژیم بعثی عراق است، که در اجرای توطئه امیر یالیسم جهانی، بر سرکردگی امیر یالیسم انگلیس، علناً در جنگ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پیشقدم شده است.

حزب توده ایران اقدام خود - سرانه رژیم بعثی عراق را در لغو یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵ و تجاوزات وسیع نظامی روزهای اخیر آن شدیداً محکوم می کند. رژیم بعثی عراق باید بداند که جمهوری

باید افکار...

مردم ایران مقام شایسته ای در جنبش آزادیبخش ضد - امپریالیستی کسب کرده، برای جلب همبستگی و پشتیبانی کشورهای غیر متعمد، بویژه آن کشورهای که سیاست مستقل ملی و ضد امپریالیستی مشخصی دارند، بایستی از این سازمان استفاده کنند. جنبش کشورهای غیر متعمد استحکام مبنای اتحاد و همبستگی میان کشورهای عضو این جنبش در برابر تجاوز و سیاست توطئه گرانه امپریالیسم جهانی پسر کردگی امپریالیسم امریکا را بنمایه یکی از اصول پایه ای سیاست خود اعلام داشته و در اعلامیهها و اسناد کنفرانسهای خود روی این مطلب تأکید کرده است. تجاوز نظامی جنایت آمیز رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، که حلقه ای از توطئه های گسترده امپریالیسم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است، در عین حال عملی است که با منافع کشورهای مستقل ملی عضو جنبش کشورهای غیر متعمد در تضاد است و رفیع دشمن مشترک آنها، یعنی امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم امریکاست. دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به این واقعیت میبایست به منظور محکوم کردن رژیم بعثی عراق از حقایق موضوعات جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی عراق، از جنبش کشورهای غیر متعمد کمک بگیرد. علاوه بر این، دولت جمهوری اسلامی ایران باید از تمام سازمانهای بین المللی برای محکوم ساختن تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق استفاده کند و با همکاری نیروهای مترقی و دموکراتیک و دولتهای مستقل ضد امپریالیست در سراسر جهان جبهه عظیمی علیه تجاوز جنایتکارانه رژیم بعثی عراق بوجود آورد.

به این مناسبت، نمیتوان از کنفرانس کشورهای اسلامی یاد نکرد. آن کشورهای اسلامی و بویژه رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق، که برای تشکیل جلسات فوق العاده کنفرانس این کشورها برای بررسی رویدادهای افغانستان، آن همه حرارت و ابتکار از خود نشان میدادند، امروز که رژیم بعثی عراق با تجاوز نظامی خود علیه جمهوری اسلامی ایران، راه پیاده کردن طرحهای توطئه امپریالیسم امریکا بمنظور براندازی نظام جمهوری اسلامی را هموار می سازد، مرسکوت بر لب زده اند. اکنون برای شناخت ماهیت واقعی کشورهای که خود را اسلامی می نامند، محک آزمایش جدیدی پیمان آمده است. دعوت به تشکیل کنفرانس کشورهای اسلامی برای محکوم ساختن تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران، دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در میان کشورهای اسلامی، بیش از پیش آشکار خواهد ساخت.

بهرحال آنچه مسلم است اینست که، میباید از تمام مسائل و امکانات برای تجسین افکار عمومی جهان در محکوم ساختن تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران و دفاع از حقانیت جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد.

اسلامی ایران آن نیرو و توان را دارد که، توطئه های خصمانه صدام حسین خود فروخته و محافل تجاوزکار امپریالیستی حامی او را علیه خود خنثی کند. زمام داران بعثی عراق با خود سرپیها و خرابکاریها و تجاوزات خود در روابط دو کشور همسایه - یاد داشته اند، آنها مسلماً جز توفان مرگ زاپودی برای رژیم جنایتکار خود در نخواهند کرد. توطئه و تجاوز علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدون مجازات نخواهد ماند.

روحیه عالی...

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم امریکاست، متانت انقلابی و روحیه عالی مبارزه جوش با خصم تجاوزگر است، از دحام برای شرکت در بسیج و مراجعه جمعی و پرشور. به سپاه پاسداران برای اجرای کلیه فرمانهای صادره است، همه جا فریاد خودجوش «مرگ بر صدام»، «مرگ بر آمریکا» است و آمادگی همگانی میلیونها چون تنی واحد و پاس شنبانه روزی جوانان بی شمار که به فرمان انقلاب و برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران به حال «ماهه باش» درآمده اند.

مردم ایران در این لحظات حساسی که بر می بین آنها و پر سرفروش انقلاب بزرگ آنها می رود، عملاً نشان میدهند که با روحیه ای انقلابی، مصمم اند بویژه تجاوزگر را بچاک بمانند. آنها در این لحظه تاریخی آماده فداکاری اند، تا سزوار تاریخ از مبارزه خلقهای ایران بیاورند. مسئولیت خلیشان در برابر تاریخ همه خلقهای منطقه کردند.

در این خیزش پرشور توده مردم عامل قاطع در تعیین سرنوشت خلقها و نگارش تاریخ است. و در این روحیه غرور آفرین و امیدبخشی که در هرجا دیده میشود، بویژه دو نکته جلب نظر میکند: اولین نکته حضور و مشارکت همه مردم انقلابی است. همه کسانی که با امپریالیسم امریکا و توطئه های گوناگون آن مخالفتند و خواستار دفاع از زمین انقلابی خود هستند، با درک حساسیت و اهمیت لحظه، سرفنظ از تعلقات مسلکی و وابستگی های

نزدیک و شروع کننده شان دادیم... ما او را دعوت نکرده بودیم، اما حالا که آمد دیگر برگشتن ندارد. ملت مسلمان عراق از اینکه یک چنین حکومت خائن و فاسدی بر او مسلط است رنج می برد، ما خود را مؤلف میدانستیم که به این ملت محروم و به این برادر کمک کنیم. امروز روز آن کمک است. ما عراق را با نیروهای که خواهیم گفت این نیروها کدام است در این منطقه مزودران و خائنان را که بر کرسی حکومت عراق سوارند، آنها را در این منطقه دفن خواهیم کرد. ما این مبارزه طلب دیوانه را در اینجا به سزای خود خواهیم رسانید و یا دو نیرو، نیروی اول نیروی ایمان و خدا و نیروی دوم نیروی انسانی یک ملت بزرگ و استوار... آنها روی تانک حساب کردند، روی هواپیما حساب کردند، روی سرباز لباس پوشیده با دکانهای عراق حساب کردند، اماری ملت حساب نکردند، چیزی که ما را با حکومتی طاغوتی متمایز می کند هم نیست، ملت ما چیزی دارد که صدام حسین ندارد، او ایمان و اشتراک همگانی ملت در میدان مبارزه است. وقتی امام اشاره ای می کند که من تکلیف مردم را تعیین خواهم کرد، سبیل تقاضا از سراسر اقطار کشور برای رفتن به جبهه جنگ می رسد... ما نیروها را به میدان خواهیم فرستاد. همه ملت آماده است، منتظریم امام اشاره ای بکند، همه خواهیم رفت، همه خواهیم جنگید... حجت الاسلام خامنه ای در قسمت دیگر سخنان خود خطاب به مردم مبارز ایران پیرامون لزوم کسب آمادگی در مقابل تجاوزات نیروهای بعثی گفت: «تا وقتی امام اشاره فرمودند، آمادگی و به محض اشاره، بسیج و حرکت و یافزودن و انشعاب پیروزی، و یافزودن و تبلیغات امروز شبکه های صبیوتیستی جهانی علیه ما، دروغ غراکی می کنند. من همینجا و با همین وسیله به همه خبرگزاری

حجت الاسلام خامنه ای...

های دروغ پرداز جهانی از جمله خبرگزاری فرانس و سایر خبرگزاریها انتظار می کشد به آنها که با این شیوه هایی که پیش گرفته اند و تبلیغات دروغ راد سطح جهانی می برانند باید بدانند که از ملت ایران برای خود دشمنان آشتی ناپذیر خواهند ساخت. و از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی مصر و جدا می خواهیم که نظراً ما جمع نمازگذار، پیام ما همه را به این خبرگزاریها ابلاغ کند. سعی کردند ایران را در یک جنگ روانی تضعیف کنند و شما برادران و خواهرانی که این سخن را میشنوید... برادران و خواهرانی که در رادیو تلویزیون و خبرگزاری پارس و مطبوعات کشور کار میکنید، همه موظف هستیم که این جبهه تبلیغاتی را با سربلندی و بهترین وجه تعقیب کنیم. باید پیامان را به دنیا برسانیم و باز در این زمینه هم وزارت امور خارجه نمایندگی های ما در دنیا چه می کنند، سفارتخانه های مادر کشور، های غربی و کشورهای عربی و هم کشورهای اروپا و منطقه شرق آسیا چه میکنند، آیا پیام ما و انقلاب ما را با مردم دنیا در میان می گذارند؟ یا اگر می گذارند و دولتها با آنها همکاری نمی کنند، اینرا باید به ما بگویند. ما ملت ایران باید بدانیم کدام دولت با ما همکاری میکند و کدام دولت علیه ما کارشکنی میکند.

وی درباره وضع مایحتاج عمومی مردم گفت: «طبق تحقیقی که کرده ایم و اطلاعیه که بدست آورده ایم تمام اوراق و مایحتاج اولیه ضروری ملت ایران که برای قوت مردم و معیشت روزمره مردم لازم است بحد کافی در ایران است. کسری نداریم یعنی از امروز و تا مدتها اگر هیچ چیز هم برای ما از خارج نیاید، ما کارشکنی نمیکنند».

در این مراسم همچنین مردم قهرمان ما با شعارهای «مبارزان هوایی دیگر اثر ندارد، تا مرگ صدام یزید، این جنگ ادامه دارد، عزم و شور مبارزاتی خود را در مقابل با تجاوزگران بعثی نشان دادند و تأیید کردند که در نبرد با امپریالیسم امریکا و مزدورانش ثابت قدم و مصمم هستند.

کردند و چنان در تدارکات دفاعی شریک و بسیج شدند، که خود مشت بس محکمی بود بر دهان تجاوزگران یعنی عراق. حلات هوایی بر کرمانشاه و سندج و تبریز و غیره، در اندیشه باطل منتظران صدام، از جمله این هدف را تعقیب میکرد که در میان کردها و آذربایجانی ها اغتشاش و شورش ایجاد کند و آنها را به مقابله با دولت جمهوری اسلامی ایران وادارد. اما کلیه هموطنان ما، سرفنظ از ملت خود، به دفاع از انقلاب خود، به دفاع از جمهوری اسلامی ایران، به دفاع از میهن انقلابی خود برخاستند. وحدت همه خلقها، در این لحظه های پر خطر از تاریخ کشور ما، وجه مشخصه یکی دیگری از علل مهم روحیه عالی توده مردم است.

همه ما، از مسئولان جمهوری، یعنی آنها که پارستگین تصمیم گیریهای سرنوشت ساز بردوش آنهاست گرفته، تا یکایک افراد مردم، که فداکاری و هشیاری و آمادگی آنها، اتحاد و عزم جزم آنها، نقش طاعرا ایفا خواهد کرد، وظیفه داریم که سخت بپوش باشیم. این روحیه عالی توده مردم برترین اسلحه ما در نبرد و مهمترین وسیله دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. وظیفه انقلابی همه ماست تا با سیاست درست و وحدت طلبانه، با تدابیر منجید، با هشیاری و مشارکت فعال خود، این روحیه پرشور و تاریخ ساز را هر چه بالاتر ببریم و با اتحاد هم رانی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در نبردی که آمریکا، بدست بعثی های عراق، بر ما تحمیل کرده، دشمن را بزانو درآوریم.

از این کشور نیاید مردم ما گرسنه نخواهند ماند، فقط با یک شرط آن شرط این است که بعضی در انبارها موجودات و بعضی در کارگاهها روز بروز تولید میشود، کسانی نخواهند بیای خودشان نسیم بیشتری بردارند و این اجناس را در خانه شان و یا انبارشان برای خود احتکار کنند».

وی افزود: «بنا بر این دو توصیه بزرگ به ملت ایران میکنم. توصیه اول این است که هر کسی فقط به قدر ما محتاج ضروری خود و خانواده اش از بازار تهیه کند و نه بیشتر...»

توصیه دوم اینست که به هیچ قیمتی نگذارید دستگاههای تولیدی بخواهد دشمن ما را دست احتکار کنید، عده ای گرمه بمانند، دشمن ما را دست کارخانه های دستگهای تولیدی کار نکند تا آنچه کم یارند به خاطر کمبود آنچه میچور شویم به دشمن پناه ببریم. البته او نمیداند ما اگر از گرسنگی هم بپیریم به دشمن پناه نخواهیم برد. پیام من به روستائیان عزیز در سراسر کشور که سالگندم تولید کرده اند اینست که همه موجودی گندمشان را به دولت بفروشند... اگر کسی به شما گفت به دولت نفروشدیقین کنید خائن است یا جاهل، به افراد غیر مسئول نفروشد چون ممکنست بخزند احتکار کنند، به دولت حتماً و حتماً بفروشید».

در این مراسم همچنین مردم قهرمان ما با شعارهای «مبارزان هوایی دیگر اثر ندارد، تا مرگ صدام یزید، این جنگ ادامه دارد، عزم و شور مبارزاتی خود را در مقابل با تجاوزگران بعثی نشان دادند و تأیید کردند که در نبرد با امپریالیسم امریکا و مزدورانش ثابت قدم و مصمم هستند.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندی کالی) ضرورت انقلاب ایران است